



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران  
علیهما صلوات

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir

# آرمان شہر منتظران

محمد رضا بندرجی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# آرمان شهر منتظران

نویسنده:

محمد رضا بندرچی

ناشر چاپی:

موعود

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۷	آرمان شهر منتظران
۷	مشخصات کتاب
۷	احزاب و تشکل ها
۷	الگوی حکومت مهدوی
۱۱	انتخاب یا انتصاب امام
۱۲	جامعه آرمانی
۱۲	حکومت برتر یا جامعه بهتر در سیر تاریخی
۱۳	حکومت واحد جهانی حضرت مهدی
۱۴	عصر ظهور یا مدینه فاضله موعود در اسلام
۱۴	مقدمه
۱۵	آینده جهان در دیدگاه اسلام
۱۶	ویژگی های عصر ظهور (مدینه فاضله اسلامی)
۱۷	اشاره
۱۷	حاکم در عصر ظهور
۱۷	حکومت در عصر ظهور
۱۸	عدل در عصر ظهور
۱۹	علم در عصر ظهور
۱۹	ارتباطات در عصر ظهور
۲۰	رفاه و آسایش در عصر ظهور
۲۱	سفر به فضا در عصر ظهور
۲۲	امنیت و سلامت در عصر ظهور
۲۳	تربیت در عصر ظهور

- عناصر و ساختار نظام سیاسی در حکومت مصلح ..... ۲۳
- مردم، جایگاه، حقوق و تکالیف ..... ۲۳
- منجی عادلترین حاکم ..... ۲۴
- نظام سیاسی مصلح ..... ۲۵
- ویژگی های حکومت حضرت مهدی ..... ۲۵
- پاورقی ..... ۲۶
- درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ..... ۲۹

## آرمان شهر منتظران

### مشخصات کتاب

شماره کتابشناسی ملی: ایران

سرشناسه: بندرچی محمدرضا، ۱۳۴۰ -

عنوان و نام پدیدآور: آرمان شهر منتظران/محمدرضا بندرچی

منشأ مقاله: موعود، ش ۷۹، شهریور ۱۳۸۶: ص ۷۲ - ۷۵

توصیفگر: محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم ۲۵۵ق -

توصیفگر: ظهور منجی

توصیفگر: مدینه فاضله توصیفگر: مهدویت

### احزاب و تشکل‌ها

در این بخش چگونگی حزب و تشکل در آخرالزمان، همراه با عملکرد آن با اشاره به «حزب الله» و «حزب شیطان» بررسی شده است. احزاب مؤسسات برآمده از مدرنیته هستند. سیاست‌های مبتنی بر لیبرالیسم فکری - سیاسی احزاب را به عنوان ابزار خود قرار داده، نردبان ترقی کرده است. حزب به معنای ساختاری نوین، در قرآن مورد نظر نیست. اما احزاب قریش و هم پیمانان که سوره ویژه ای را به خود اختصاص داده اند، نمونه ای کامل با ماهیت، قالب و عملکرد از حزب بوده اند، که در زمره حزب شیطان قرار دارند. دولت اموی، نشأت گرفته از حزب سیاسی است که ریشه در سلطه شرک و کفر قریش و جاهلیت داشته، و با راهکارهای سیاسی و تشکیلاتی، با کمال حیرت به حکومت نیز می رسد احزاب دوگانه فوق، در تقابلند و پیوسته در جنگ می باشند. پیروزی هر یک بر دیگری در مقاطع و شرایط مختلف، بیانگر پایداری هواداران در عمل به دستورات و اوامر حزبی است. قرآن کریم حزب الله را هم حزب پیروز می داند و حزب رستگاری. شاخصه اعضای حزب الله ایمان به خدا و جهاد در راه اوست. در حکومت پیامبر اکرم (ص)، و امیرمؤمنان (ع)، نشانی از تأسیس حزب و یا تشکل سیاسی مشاهده نمی شود. به نظر نمی رسد در حکومت مصلح حتی پس از برقراری چنین رسمی جاری شود. نابودی احزاب بنابر وعده الهی با نصرت خدا به صورت غلبه حزب الله بر حزب شیطان انجام می پذیرد. جنگ احزاب و مسیر پیروزمند پیامبر اسلام (ص) سرکوبی احزاب سیاسی - فرهنگی و تشکل های هم پیمان با آن ها را شاهد است امیرمؤمنان (ع) در جهت ریشه کنی حزب اموی، حتی پس از جنگ با خوارج مصمم به جنگ مجدد با معاویه است. شیعیان ناب در دوران ظهور اعضای حزب الله هستند که پس از تشکیل حکومت مجریان امر می گردند و این مسأله در ساختار نمونه و بی نظیر حکومت مصلح، نه قدرت یابی حزبی است و نه حرکتی تشکل گونه.

### الگوی حکومت مهدوی

اشاره: شاید در اذهان بسیاری از مردم این پرسش مطرح باشد که امام مهدی، علیه السلام، چگونه حکومت خواهد کرد و نظام سیاسی - اداری که او برپا می کند چه ویژگیهایی خواهد داشت؟ در پاسخ این پرسش باید گفت که ویژگیهای حکومت مهدوی همان ویژگیهای حکومت علوی است؛ با این تفاوت که حکومت علوی تنها در گستره ای محدود از کره خاک و در مدت زمانی ناچیز برقرار شد و آن حضرت هم به دلیل درگیری در جنگهای داخلی، نتوانست به همه آنچه که در نظر داشت جامه عمل پوشد؛ اما

امام مهدی، علیه السلام، با پیش گرفتن سیره جدش امیرالمؤمنان، علی، علیه السلام، تا آستانه برپایی قیامت از دالت برمی سازد و به همه اهداف خود دست می یابد. با توجه به فرارسیدن ماه شعبان، ماه تولد امام عدالت و ماه رمضان، ماه شهادت امام عدالت، بی مناسبت ندیدیم که برای آشنایی بیشتر خوانندگان عزیز موعود مروی داشته باشیم بر سیره حکومتی امام علی، علیه السلام، در مدت زمان محدود حکومت خویش. امید که مقبول افتد. با پیروزیهای بزرگ اعراب مسلمان در نقاط مختلف جهان، سیل اموال و درآمد به بیت المال سرزیر شد و در زمان خلیفه دوم، بر خلاف سنت پیامبرسبقت در اسلام یا شرکت در جنگهای صدر اسلام ملاک برتری در دریافت بیت المال شد. خلیفه هر چند بعد از این تبعیض مالی اظهار پشیمانی کرد و سختگیریهایی به عمل آورد اما هرگز نتوانست اوضاع و احوال را به وضع پیشین بازگرداند. [۱]. عثمان در دوران زمامداری اش برخلاف وعده ای که هنگام قبول خلافت کرده بود نه به سنت پیامبر عمل کرد و نه سیره شیخین را مد نظر قرار داد، بلکه دست یاران و اقوام خویش را در تصاحب بیت المال باز نگه داشت و به بهانه صله رحم، اموال هنگفتی را به آنان اعطا کرد و همان تبعیضات دوران عمر را با شدت بیشتری گسترش داد و در نتیجه زمینداران و مالداران بزرگ پدید آمدند. خود وی خانه ای از سنگ و آهک بنا کرد که درهایش از چوب عاج و عرعر ساخته شده بود. وقتی کشته شد صد و پنجاه هزار دینار و یک میلیون درهم نقد از خود باقی گذاشت و ارزش املاکش در «وادی القری» و دیگر جاها بیش از صد هزار دینار برآورد شد. او اسب و شتران فراوان داشت [۲] گوه‌هایی که دخترانش بر سینه می آویختند چون آفتاب می درخشید. [۳]. تمام خمس گرفته شده از افریقا رایکجا به مروان بخشید و فدک را به قطاع [۴] وی درآورد. همه غنایم افریقا - از طرابلس تا طنجه - را به عبدالله بن ابی سرح اهدا کرد. زید بن ارقم - کلید دار بیت المال در زمان عثمان - که از جایزه دویست هزار درهمی به ابوسفیان و رداخت یکصد هزار (درهم) به مروان با سفارش عثمان به خشم آمده بود. کلیدها را جلو عثمان گذارد و گریست. عثمان گفت: چون صله رحم کرده ام می گریی؟ گفت: نه اما گمان دارم این مالها رابه عوض انفاقهایی که در راه خدا، هنگام حیات رسول الله کردی برمی داری، اگر صد درهم به مروان می دادی باز هم زیاد بود (تا چه رسد به هزار درهم). عثمان گفت: پسر ارقم، کلیدها را بگذار و برو! فرد دیگری را مسؤول بیت المال خواهم کرد [۵]. از عطا‌های بی حساب عثمان، زبیردارای چهار هزار دینار نقد، یک هزار اسب و یک هزار کنیز شده بود. طلحه املاک فراوان و خانه های مجلل داشت. عبدالرحمن بن عوف دارای هزار اسب، هزار شتر و ده هزار گوسفند بود و در اسکندریه، بصره و کوفه خانه های باشکوه بنا کرده بود. [۶] امیرالمؤمنین که رابط میان مردم معترض و خلیفه بود، بادلسوزی تمام به وی پیشنهاد کرد جهت برآوردن خواسته های مردم سریعاً به حقوق از دست رفته آنان رسیدگی نماید و خطر قریب الوقوع را به وی یادآور شد. عثمان برای این امر مهلت خواست، حضرت در پاسخ فرمود: آنچه به مدینه مربوط است، در آن مهلتی نیست و آنچه بیرون از مدینه است مهلتش رسیدن دستور تو به آنهاست. [۷]. اما عثمان نخواست یا نتوانست به قول خود وفا کند و بدین ترتیب موجبات قتل خویش را فراهم آورد. وجود این تبعیضها، مساله ای زودگذر و موقتی نبود که با رفتن عثمان از میان برود بلکه در میان خواص جامعه آن روز به صورت یک فرهنگ و عادت درآمده بود. اطرافیان و وابستگان خلیفه به صرف همین وابستگی و قرابت، از مال و مقام بسیار برخوردار می شدند و با توجیحات هوس پسندانه آن را حق خود می شمردند و تحت عنوان صله رحم سوسوی وجدان خویش را نیز خاموش ساخته با خیال راحت اموال مردم را به غارت می بردند. امیر المؤمنین، علیه السلام، در توصیف این دوران می فرماید: او (عثمان) همانند شتر پر خوار و شکم برآمده همی جز جمع آوری و خوردن بیت المال نداشت. او با همکاری بستگان پدری اش، همچون شتر گرسنه در بهار بر روی علف بیت المال افتاده به خوردن مشغول شدند اما کارشان به نتیجه نرسید. [۸] بعد از قتل عثمان، مردم برای بیعت با امام علی، علیه السلام، به در خانه او هجوم آوردند اما او بخوبی می دانست تغییر این فرهنگ و خارج ساختن این عادت زشت از سر بزرگان قوم کاری بس دشوار است و به یک عمل جراحی بزرگ نیاز دارد که پیکره سرطانی آن روز اجتماع تحمل آن را نخواهد داشت. ولی، به دلیل مسؤولیت الهی علما و حضور و اعلام آمادگی مردم برای تحقق این تحول



اجتماعی، اصلاحات بزرگ خود را آغاز کرد و خطاب به مردم، اوضاع آن دوران را به دوران قبل از اسلام و عمل خویش را به اقدامات رسول خدا تشبیه کرد و از امتحانی سخت خبر داد [۹] و اصول خلل ناپذیر حکومت خود را اعلام نمود و تا آخر نیز بدان پای فشرد. امام، علیه السلام، دستور داد همه اسبها و شترها و اسلحه‌های موجود در خانه عثمان - جز سلاح و مرکب شخصی او - را به بیت المال بازگردانند. عمرو عاص چون از این ماجرا اطلاع یافت، در نامه‌ای به معاویه نوشت هر چه می‌خواهی بکن که پسر ابوطالب همه اموال تو را خواهد گرفت، آنچنانکه چوبی را پوست کنند. [۱۰]. امیر مؤمنان در دومین روز بیعت، بر اوستی هشدار داد، اموال و قطیعی را که عثمان، ناروا به دیگران بخشیده به بیت المال باز خواهد گرداند. هر چند با آن، زنانی را کابین بسته باشند و یا کنیزکان خریده باشند. [۱۱]. در دیدگاه علوی برتریهای معنوی، همچون تقوا و صحبت با رسول خدا هرگز ملاک برتریهای مادی و مالی قرار نگرفت و همگان به طور مساوی از بیت المال بهره مند شدند. به همین دلیل بسیاری از اشراف و رؤسای قبایل که اکنون خود را از حقیقتان! محروم می‌دیدند، امام عادل را رها کرده به سراغ معاویه رفتند. حضرت در یک درد دل خصوصی، با مالک اشتر، از اینکه مردم او را رها کرده اند، شکوه کرد. مالک علت آن را شدت عدالت او دانست و گفت: اکثر مردم به دنبال دنیا هستند، اگر بذل مال کنی اطرافت جمع می‌شوند. فرمود: نمی‌توانم بیش از حق به کسی بدهم. امید است که خداوند گروهی کوچک را بر گروهی بزرگ غلبه دهد. [۱۲]. جامعه آن روز هر چند از بیماریها و انحرافات متعددی رنج می‌برد اما دنیا طلبی و فساد مالی از همه آنها خطرناک تر بود و امیر مؤمنان همچون طیبی ماهر ابتدا به معالجه این آفت اهتمام ورزید. او دوست داشت همه انحرافات را از میان بردارد اما از بیم پراکندگی بیشتر مردم و توقف برنامه‌های اصلاحی، از وارد ساختن فشار بیشتر خودداری کرد. او آرزو داشت روزی بتواند همه سنتهای تعطیل شده رسول خدا، همچون تغییر مقام ابراهیم، حرمت متعین (عمره تمتع، نکاح متعه)، غضب فدک و... را به حال اول خود بازگرداند [۱۳] اما همین اصلاحات نیز با مقاومت شدید روبرو شد و کوهی از مشکلات و کارشکنیها در مقابل حکومت عدل امام قرار داد که برداشتن آنها به صبوری جمیل، برنامه‌ای دقیق و موعظه‌های مردی شفیق محتاج بود که بزرگمردی چون علی بن ابیطالب، علیه السلام، همه آنها را داشت. امام برای انجام این اصلاحات ابتدا از خود و اطرافیان‌شان آغاز کرد. کارگزاران امیر المؤمنین وقتی می‌دیدند پیشوا و امامشان قبل از تعلیم دیگران به تعلیم نفس خویش اقدام نموده است [۱۴] و بر اطرافیان خود نیز همچون دیگران در اجرای قوانین و عدالت، نظارت دارد، برای خود عذر و بهانه‌ای نداشتند. آن حضرت معتقد بود کسی که خود را به عدالت ملزم نمود اولین تجربه عدالت را در کشور وجود خویش با بیرون راندن خواسته‌های دل نیازموند و در کار خیری که مردم را بدان دعوت می‌کند پیشی نگرفت [۱۵] قادر نخواهد بود دیگران را به کارهای نیک و عدالت وادار سازد. عدالت خواهی چنان با گوشت و خون امیر مؤمنان آمیخته بود که رسول خدا فرمود: او در راه اجرای احکام الهی سختگیر است. [۱۶]. او کاملاً آگاه بود که اگر شخص حاکم یا اطرافیان‌ش اندکی از جاده عدالت و انصاف بیرون روند، زیردستان با شدت بیشتری حریم عدالت رامی‌شکنند. به قول سعدی: اگر ز باغ رعیت ملک خورد سببی بر آوردن غلامان او درخت از بیخ به پنج بیضه که سلطان ستم روا دارد ز نند لشکریانش هزار مرغ به سیخاز اینرو چشمهای روشنتر از آفتابش همیشه بر اطرافیان‌ش نظاره می‌کرد و به آنان اندک مجالی برای دور شدن از جاده عدالت نمی‌داد. آن حضرت در نامه‌ای به محمد بن ابوبکر، آنگاه که وی را به فرمانداری مصر فرستاد توصیه کرد که حتی در نگاه هایش به مردم عدالت داشته باشد. زیرا اگر حاکم میان نگاه کردن به بزرگان و اشراف جامعه با نگرستن به ضعفا و پا برهنگان تفاوت قائل شود، گروه اول به حمایت بی دلیل او طمع می‌کنند و دسته دوم از عدالت وی ناامید می‌شوند. [۱۷]. هشدار امیر مؤمنان به عقیل با آهن گداخته و سرزنش علی بن ابی رافع - متصدی بیت المال - به دلیل عاریت دادن یک گردنبند به دختر خلیفه و دستور بازگرداندن آن، در همین راستا قابل تفسیر است. آن حضرت برای آنکه نشان دهد برداشت نابجا از بیت المال، نوعی دزدی محسوب می‌شود به عقیل که درخواست مال بیشتری داشت فرمود: شبانه صندوق تاجران بازار را بشکن و بردار. عقیل اظهار داشت خواهان دزدی نیستم. فرمود: دزدی از یک نفر آسانتر است از سرقت از بیت

المال است و خیانت به یک گروه سختتر از خیانت به یک فرد است. [۱۸]. روزی، در میان لباسهای مختلفی که به بیت المال رسیده بود، یک پالتوی کلاه دار از جنس خز، نظر امام حسن، علیه السلام، را به خود جلب کرد؛ اما حضرت از دادن آن خودداری کرده به عدالت تقسیم نمود و آن پالتو سهم جوانی همدانی شد و او چون شنید امام حسن بدان نظر داشته، به وی تقدیم کرد. [۱۹]. با مروری بر خطبه‌ها و نامه‌های امام امیر المؤمنین برنامه‌های نظارتی ایشان را برای تحت نظر گرفتن کارگزاران می‌توان به دو بخش تقسیم کرد: بخش فکری، فرهنگی و بخش اجرایی، حکومتی. ۱. اقدامات فکری و فرهنگی امام امیر المؤمنین برای حفظ و ادامه سلامت کارگزارانش به مناسبت‌های مختلف، جایگاه، وظایف و سرانجام انسان را برای آنان تبیین می‌نمود تا از گرفتار آمدنشان در دام غفلت بر حذر دارد. دامی که بیشترین صیدش صاحب منصبان و حاکمان اند. وی هنگام اعزام یکی از مدیران به محل مأموریت و یا در حین خدمت، طی نامه‌هایی آنان را به یاد نظارت خداوند بر اعمال بندگان و سختیهای قیامت می‌انداخت و نسبت به مسؤولیت الهی آنها بیدار باش می‌داد. در نامه‌ای به یکی از مالیات‌بگیران خود «او را به تقوا و ترس از خدا در امور پنهان فرمان می‌دهد، آنجا که غیر خدا هیچ شاهدی نیست.» [۲۰] و نیز می‌فرماید: در راه خدا آنچه بر شما واجب است انجام دهید که خداوند از ما و شما خواسته با کوششهای خود از اوسپاسگزاری کنیم. [۲۱]. شبیه چنین سفارشهایی در نامه به مالک اشتر و محمد بن ابی بکر [۲۲] نیز دیده می‌شود. و نیز به مالک سفارش فرمود: مبادا به بهانه اطاعت از فرمان دیگری، فرمان خدا را نادیده گیری. امیر المؤمنین حکومت و زمامداری را به عنوان امانت در دست کارگزاران معرفی می‌کرد که خیانت در آن ودست درازی به بیت المال، همسنگ خیانت به خون مسلمانان [۲۳] و نشانه عدم اعتقاد فرد خائن به قیامت است. [۲۴]. در نامه معروف به عثمان بن حنیف [۲۵] بعد از گله و شکایت از او و بیان زندگانی سراسر زهد خود، علت اینگونه سخت‌گیری بر نفس را ترس از روز هولناک قیامت می‌شمارد و کسانی را که به غذاهای تشریفاتی و نابودشدنی دنیا مشغول گشته‌اند به حیوانات پرواری تشبیه کرده است تا مخاطب را از خواب غفلت بیدار کند و در پایان به فرماندار خود می‌نویسد: پسر حنیف، از خدا بترس و به همان قرصهای نان اکتفا کن تا خلاصی تو از جهنم امکان پذیر گردد. [۲۶]. روش دیگر امام، علیه السلام، برای نظارت بر زمامداران از طریق فکری، فرهنگی، توجه دادن آنها به عواقب شوم خیانت در همین دنیاست، اگر کسی به قبر و قیامت هم کاری نداشته باشد، باید بداند که «ستم، نامه عزل شاهان بود» مملکتی ممکن است به کفر بماند ولی به ظلم باقی نخواهد ماند، اگر زمامدار در پی کسب نام نیک در دنیا است، بایستی متوجه باشد همانگونه که امروزیان اعمال گذشتگان را نقد و بررسی کرده مورد قضاوت قرار می‌دهند، آیندگان نیز اعمال ما را خواهند سنجید. «مردم به کارهای تو - مالک - همانگونه نظر می‌کنند که تو درباره آنها می‌گفتی» [۲۷]. بسیاری از حیف و میلها در بیت المال بدان دلیل صورت می‌گیرد که حاکم می‌خواهد با دادن اموال همه مردم به گروهی خاص، آنان را در اطراف خود نگه دارد تا روز مبادا از او حکومتش دفاع کنند. البته بهره‌مندان از این اموال چند صباحی زبان به مدح و ثنای او خواهند گشود و در ظاهر موجب سرافرازی حاکم در دنیایمی گردند اما سنت خداوند بر این قرار گرفته است که سرانجام از سپاسگزاری آنان محروم می‌گردد و هنگام نیاز و لغزش بدترین رفیقان و ملامت‌کننده‌ترین دوستان باشند. [۲۸]. خدای تعالی با هیچ‌یک از بندگان خود بی دلیل نه سرخصومت و دشمنی دارد و نه با احدی پیمان قوم و خویشی و برادری بسته است، بلکه همه چیز بر اساس حکمت و قانون استوار گردیده و باطل در آن راه ندارد یکی از این حکمت‌های الهی هلاکت قوم ستمکار باهر نام و عنوان است. امیر مؤمنان در نامه‌ای به فرماندهان نظامی علت سقوط و هلاکت حکومت‌های گذشته را در دو مساله دیده است: یکی آنکه زورمندان آنها به گونه‌ای عمل می‌کردند که مردم مجبور شدند حقوقشان را از طریق رشوه و دیگر راه‌های ناصواب خریداری نمایند و دیگری سوق دادن مردم به سوی باطل از سوی حاکمان است. [۲۹]. شیوه دیگر امیر المؤمنین برای دور ساختن زمامداران از ارتکاب خیانت، تحریک احساسات و غیرت آنها بود. در نامه‌ای به ابن عباس می‌نویسد. من در کارهای تو شریکم اگر زبانی برسانی به امام و پیشوای خود زیان رسانده‌ای. [۳۰] و در نامه‌ای احتمالاً به همین شخص برای آنکه او را از راه خطایی که رفته بود پشیمان کند، می‌فرماید: من

تو را شریک در امانت - یعنی حکومت - قرار داده ام و از میان همه خاندانم به تو اعتماد کردم، حالا که اوضاع بر من سخت شده، تو هم مرا مرا کرده ای؟! چطور مال حرام از گلویت پایین می رود... [۳۱]. گاهی حضرت در سخنرانیهای عمومی نیز به مردم هشدار می داد که خداوند شما را به وسیله اموال می آزمایشد. روزی مولای متقیان در حال سخنرانی بود، مردی برخاست و از معنی فتنه و امتحان پرسید. امام پاسخ داد: وقتی آیه «الم احسب الناس ان یترکوا، ان یقولوا آمنا و هم لایفتنون» نازل شد از رسول خدا پرسیدم مقصود از آزمایش و فتنه چیست؟ فرمود: یا علی! امت، بعد از من امتحان خواهند شد... این مردم پس از من با ثروتشان آزمایش می شوند، دیندار بودن را منتی بر خدا قرار می دهند... رشوه را به نام هدیه و ربا را به رسم تجارت حلال می شمارند... [۳۲]. ۱. اقدامات اجرایی و حکومتی اقدامات فرهنگی و سفارش حاکمان و کارگزاران به یادآوری قیامت و نظارت خداوند هر چند ضروری و کارساز است، اما هرگز کافی نیست. بلکه در کنار آن بایستی اقدامات حکومتی و نظارتی نیز اعمال گردد. اقدامات امام امیرالمؤمنین در این خصوص عبارتند از: ۱-۲. انتخاب اصلح برای مدیریت یکی از مهمترین وظایف حاکم اسلامی، انتخاب شایسته ترین افراد برای مدیریتهای مختلف کشور است. امیرالمؤمنین، مدیر جامعه را به قطب آسیا تشبیه کرده [۳۳] و تغییر آن را موجب تغییر اوضاع زمانه دانسته است [۳۴] در بسیاری موارد دین و اعتقاد مردم نیز اعتقاد مدیر آن جامعه می باشد چنانکه رسول خدا، صلی الله علیه و آله، در نامه های خود با امپراتور روم و پادشاه ایران، گناه مسلمان نشدن مردم را به عهده آنان دانست. رهبر جامعه اسلامی چنانکه به هر دلیل فردی را به مدیریت بخشی از کشورش برگزیند، در حالیکه می داند دیگری از او شایسته تر است، به فرمایش پیامبر اکرم، صلی الله علیه و آله، به خدا و رسول خدا و همه مسلمانان خیانت کرده است. [۳۵]. رسول خدا جوانی بیست و چندساله به نام «عتاب بن اسید» را به فرمانداری مکه انتخاب کرد و به او فرمود: می دانی چه مقامی به تو داده ام؟ تو را فرماندار اهل الله، عز و جل، نموده ام و بعد فرمود: لو اعلم لهم خیرا منک استعملته، علیهم اگر بهتر از تو سراغ داشتم او را بدین امر برمی گزیدم. [۳۶]. یکی از یاران پیامبر از وی مقام و منصبی خواست، حضرت دستی به شانه اش زد و فرمود: تو برای حکومت ضعیفی و آنکه از عهده بر نیاید، در آخرت خوار و پیشیمان خواهد شد. [۳۷]. امام امیرالمؤمنین نیز در دوران زمامداری خود بدین امر مهم توجه کافی داشت، خود به انتخاب اصلح اقدام می کرد، مدیران ضعیف را معزول می نمود و به کارگزاران خود این امر را توصیه می فرمود.

### انتخاب یا انتصاب امام

مصلح مسؤول رفع نقائص و به کمال رساندن مردم است. حکومت برتر برای تشکیل جامعه ای بالاتر از مدینه فاضله هرگز نمی تواند با انتخاب زمامدار توسط مردم برپا شود. امر انتصاب الهی منجی و مصلح به انتصاب کارگزاران حکومت توسط امام نیز تسری می یابد. می توان با استناد به قول معصوم (ع) از شیعیان به عنوان گروه خاص، به مثابه مجریان دولت مصلح موعود نام برد. آنان که به فرموده امام صادق (ع) در دولت قائم رؤسای روی زمین و حکمران آن هستند، و هر یک از ایشان قوت چهل مرد را داراست. ۳۱۳ نفر پیوستگان نخستین را امیرالمؤمنین و امام صادق (ع) به نام پرچمدار یاوران آن گرامی تعبیر کرده اند. گستردگی دولت مهدی به مجریان بسیاری نیازمند است. شاید بتوان انصار را که مردمی پاکباخته و با ایمان هستند و به تدریج به امام می پیوندند و در خدمت اجرای برنامه های حضرت هستند، در زمره کارگزاران حکومت مصلح دید. مجریان یا کارگزاران دولت مصلح که تحت امر شخص او و نه در قوای مختلف و منفک، مجری اوامر الهی امام هستند، از برداشت روایی و مراجعه به عقل، با نصب حضرت به کار گمارده می شوند. شیوه حکومت پیامبر (ص) و کارکرد سیاسی امیرالمؤمنین (ع) که دولت مهدی موعود احیاگر آن ها است، بر چنین محوری استوار بوده است. هیچ نشان و اثری از مجموع بحث ها و روایت های بی شمار پیرامون دولت بقیة الله دال بر انتخاب چه در حیطه نهادی و چه کارگزار و مجری قابل ملاحظه و مشاهده نمی باشد.

## جامعه آرمانی

جامعه آرمانی، سه خصوصیت و ویژگی دارد که همه ادیان ابراهیمی هم‌منظور فرق و مذاهب اسلامی در آن اتفاق نظر دارند: ۱. در دوره آخرالزمان بشر متنعم از مواهب طبیعی دنیا می‌شود. ۲. در آن دوره، برخوردی انسانها از مواهب، عادلانه خواهد بود. ۳. بشر به مرحله‌ای از رشد و تکامل خواهد رسید که به معرفت خداوند راه پیدا خواهد کرد و این زمان، دوره ظهور ولایت الهی و امر الهی در زمین و دوره وجود بلوغ معنوی بشریت است. آخرالزمان، از دو منظر سیر طبیعی مرحله‌ای از مراحل زندگی بشر، و هم‌منظور از دید فلسفه تاریخ مورد تحلیل قرار گرفته است. زیرا فلسفه تاریخ، تاریخ را به عنوان یک واقعیت به هم پیوسته می‌بیند و آنرا تحلیل می‌کند. تحلیل و تعلیل تاریخ و بررسی آن و تبیین آینده بشر به طور عام، مورد توجه فلاسفه و متفکرین و ادیان مختلف قرار گرفته است. فلاسفه و متفکرین غربی به دنبال ره یافت‌هایی خود از آینده، مطالعات اساسی را در این خصوص به انجام رسانده‌اند. ویژگی شناخت آنها از آینده اولاً- معطوف به عمل و عموماً موضع‌گیری عملی غرب را تبیین کرده است. و ثانیاً این نظریات، ناشی از نظریه‌های علمی‌اند که ناشی از فلسفه غرب بوده و مکانیزم‌ها را نیز مورد توجه قرار داده است. ثالثاً این که نظریات پایان تاریخ اندیشه‌هایی هستند که ناظر به حرکت و جریان کل تاریخ بوده و آن را از نقطه آغاز تا فرجام مورد مطالعه قرار می‌دهد. و در این میان به مراحل سیر آن توجه دارد. بنابراین، پایان تاریخ از دیدگاه این دسته از متفکرین غرب عبارت است از آن مرحله کامل حرکت اجتماعی بشر در هنگامی که به جامعه آرمانی و ایده آل خودش دست پیدا می‌کند. که از رایج‌ترین این نظریات، همان نظریه‌ای است که لیبرال دموکراسی غرب را، فرجام تاریخ و مرحله پایانی آن می‌داند. حال باید دید تفاوت بین چنین فلسفه‌ای (ایده پایان تاریخ)، با اندیشه آخرالزمان در چه بوده و یا چه رابطه‌ای بین اندیشه آخرالزمان و این ایده می‌تواند وجود داشته باشد؟ فلسفه تاریخ از دیدگاه ادیان ابراهیمی دارای چند ویژگی است: ۱. از نظر این ادیان، کل عالم مخلوق خداوند است. ۲. خداوند ربّ عالم است؛ یعنی تکامل عالم به ربوبیت الهی بسته است. ۳. انسان در حرکت خودش اراده و اختیار دارد؛ در نتیجه می‌تواند خود را عبد و بنده خداوند قلمداد کند و یا در مقابل خداوند کبر بورزد و بر این اساس است که کفر و ایمان و یا طاعت و عصیان شکل می‌گیرد. ۴. جریان ایمان و کفر، دو جریان در حال تکامل و رشدند؛ یعنی عبودیت و بندگی خداوند به دنبال توسعه خودش است؛ چنانکه کفر هم به دنبال توسعه و رشد نهایی خویش است و بر اساس هر دو جریان، ایمان و کفر خودشان را نظام‌مند می‌دانند. در نظام مؤمنین محور انبیاء و استمرار خط امامت است، در حالی که در نظام کفر طواغیت و شیطان، محور قرار گرفته‌اند. این دو رویکرد، دو جریان تاریخی است که در همه زمانها در تعارض بوده‌اند. در آخرالزمان درگیری بین کفر و عبودیت و بندگی خدا بدین گونه است که کفر به آخرین تلّون خودش رسیده است و در حقیقت، شیطان دیگر و تلّونی نخواهد داشت و این، دوره پایانی دنیای کفر است. بنابراین می‌توان گفت: در آخرالزمان، ۱. کفر به اوج اقتدار و نهایت تکامل خودش می‌رسد. ۲. بشر در درک توحید و بندگی خداوند رشد قابل توجهی می‌یابد. و در نتیجه کبر آدمی، نسبت به خداوند برداشته شده و انسانها به نور و حیات و ثبات و امنیت می‌رسند. و همچنین تنعم و رفاه به معنی صحیح خودش تحقق می‌یابد و عدل کلی در همه شئون حیات و در مسیر خودش قرار می‌گیرد.

## حکومت برتر یا جامعه بهتر در سیر تاریخی

این بحث در اندیشه فیلسوفانی چون افلاطون و ارسطو آمده است که به جامعه بهتر تحت حکومت برتر می‌اندیشیده‌اند. در طول تاریخ فیلسوفان و اندیشمندان بسیاری در پی ایجاد حکومت برتر بوده و جامعه بهتر را در پرتو آن جستجو کرده‌اند. افلاطون از پیشینیان است که در این مسیر «پیدایش دولت» را امری حتمی دانسته و آن را نشأت گرفته از نیاز و همبستگی‌های متقابل اقتصادی

میان افراد که ناشی از محدودیت امکانات تولیدی انسان هاست می‌داند. وی عواملی چون پیوند جغرافیایی و نژادی را در پیدایش دولت‌ها مؤثر نمی‌بیند. افلاطون به معرفت خاصی اعتقاد دارد که دولت و حاکمین به وسیله آن، به جای هدایت‌گری و اندرزدگی به شهروندان به مسائل خاص، نسبت به کل جامعه، راهنما می‌باشند. در نتیجه شهر این دولت «شهر عاقل» است. شهری که دارای رهبران و رایزنان خردمند است و حقیقتاً به شیوه عقل و درایت اداره می‌شود. در نگاه ارسطو، حکومت عالی‌ترین نوع اجتماع با هدف «خیر برین» است. وی حکومت‌های سه‌گانه‌ای را نام می‌برد که براساس منافع و توسط گروه خاصی تشکیل می‌شوند و همین عامل - حاکمیت گروهی خواه اکثریت یا اقلیت - آن‌ها را حکومت‌های منحرف معرفی می‌کند. وی حکومت صحیح را حکومتی می‌داند که صلاح عمومی را در نظر داشته باشد. پیرامون حکومت برتر «مسأله زمامدار» مطرح می‌گردد و اندیشه‌گران فوق، در این باره نیز اندیشه خود را اظهار داشته‌اند. زمامداران «شهر عاقلان» افلاطون، عاقلان شهر هستند که به وسیله عقل و دانایی و معرفی که نیروی مشترک طبیعت و تربیت به آن‌ها بخشیده است، در هر شهری که زمامداری کنند، آن‌ها را دانا و خردمند خواهند کرد. این گروه نسبت به کل جامعه اقلیت می‌باشند.

### حکومت واحد جهانی حضرت مهدی

حکومت واحد جهانی امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در حقیقت، پاسخی است به نگرانی بشر از آینده‌ی خود. شیعیان، آینده‌ی روشنی را برای زندگی انسان پیش‌بینی می‌کنند و امید به زندگی در قالب (انتظار فرج) به زندگی شیعیان، معنا و گرمی می‌بخشد. یک شیعه، هیچ‌گاه از آینده‌ی خود نگران نیست، چنان‌که اکثر متدینان به ادیان نیز نگران نیستند و آینده‌ی بشر را تحت لوای مصلح کل، روشن می‌بینند، ولی آموزه‌های شیعی این امتیاز را دارد که از روشنی و وضوح فراوان برخوردار است. با دقت در دعوت و آموزه‌های اسلام، معلوم می‌گردد که هدف اش متحد کردن ملت‌ها و برداشتن دیوار امتیازات و اعتبارات لغو و بی‌اثر و برقرار کردن کلمه‌ی واحد و همکاری و ارتباطی است که ریشه و پایه آن، کلمه‌ی توحید و ایمان و عقیده به آن است. اسلام می‌خواهد تمام اختلافات و جدایی‌ها را که به نام‌های گوناگون پدید آمده، با عقیده‌ی توحید از میان بردارد. اختلافات نژادی، طبقاتی، ملی، وطنی، جغرافیایی، مسلکی، حزبی، زبانی، همه باید از میان برود و سبب امتیاز و افتخار نباشد، حتی باید اختلافات دینی هم، کنار گذاشته شود و همه باید تسلیم فرمان خدا باشند: *قُلْ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ... اسلام*، برای بشر، رسیدن به چنین روزی را پیش‌بینی کرده و در حدودی که وظیفه‌ی تشریح است، مقدمات آن را نیز فراهم ساخته و عملی شدن آن را موکول به آماده شدن زمینه‌ی کامل آن کرده است. جریان اوضاع جهانی و پیشرفت‌هایی که نصیب بشر در امور مادی و صناعی شده است و روابط نزدیکی که به واسطه‌ی وسائل ارتباط کنونی با هم پیدا کرده‌اند، همه را به یک اتحاد واقعی و همکاری صمیمانه‌ی روحانی و برادری حقیقی بیش‌تر محتاج کرده است. هر چه جلوتر برویم، این احتیاج را بیش‌تر احساس می‌کنیم؛ یعنی، آن دهکده‌ی جهانی که دانشمندان غربی در قرن بیستم احتمال آن را داده‌اند، اسلام، در هزار و چهارصد سال قبل، با تأکید فراوان و قطعیت و حتمیت، آن را خبر داده و حتی کیفیت وقوع آن و نحوه‌ی حکومت در آن دهکده‌ی جهانی و رهبری آن نظام را به طور وضوح و آشکارا، معین کرده است و خبر داده که دین حاکم در آن حکومت جهانی، اسلام، و پیروزی از آن مستضعفان و صالحان و غلبه‌ی ایمان بر کفر است و حاکم آن حکومت، شخصی از تبار ابراهیم و بنیره محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) و فرزند زهرا و علی (سلام الله علیهم) است و نام او، (محمد) و کنیه‌ی او (ابوالقاسم) و لقب او، (قائم) است. اینک به برخی از آیات و روایات این موضوع و این که (روزی خواهد آمد که دین غالب در روی کره‌ی زمین، دین اسلام است) و (پیروزی از آن مستضعفان است) و (صالحان وارث زمین‌اند) و (در همه‌ی جای کره‌ی زمین، عدل حاکم خواهد شد) و این که همه‌ی دین‌ها در عصر ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) خواهد بود، اشاره می‌کنیم و تفصیل آن را به کتب مفصل‌وا می‌گذاریم. *وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي*

الرُّبُورِ مَنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ؛ در زبور داوود نوشته ایم که صالحان از بندگان من، وارث زمین خواهند شد. در تفسیر مجمع البیان طبرسی، ذیل این آیه، از امام باقر (علیه السلام) نقل شده که آن حضرت فرمود: وَهَمَّ أَصْحَابُ الْمَهْدَى فِي آخِرِ الزَّمَانِ؛ آنان، همان یاران حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در آخر الزمان اند. (وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمَلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا...) در این آیه ی شریف، سه وعده ی صریح به مؤمنان وارسته و دارای عمل صالح داده شد است: ۱- استخلاف در زمین؛ یعنی، حکومت، در کلّ کره ی زمین. به عنوان نمایندگی خدا که حکومت حق و عدالت است. ۲- تمکین دین؛ یعنی، نفوذ معنوی و حکومت قوانین الهی بر تمام پهنه ی زمین. ۳- تبدیل خوف به امتیّت؛ یعنی، برطرف شدن تمام عوامل ترس و ناامنی و جایگزین شدن امتیّت کامل و آرامش در همه ی روی زمین. در تفسیر مجمع البیان ذیل این آیه از امام زنی العابدین نقل شده کره فرمود: (هُم - وَاللَّهِ! - شَيَعْتَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ يَفْعَلُ اللَّهُ ذَالِكَ بِهِمْ عَلَى يَدَي رَجُلٍ مِّنَّا وَهُوَ مَهْدِي هَذِهِ الْأُمَّةِ؛ این گروه به خدا قسم! - همان پیروان ما هستند که خداوند به وسیله ی مردی از خاندان ما، این موضوع را تحقق می بخشد و او، مهدی این امت است.). (هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْمَهْدَى وَدِينَ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ)؛ خداوند، رسول خود را با هدایت و دین حق فرستاد تا دین حق او، بر همه ی ادیان، غالب آید. هر چند مشرکان به این کار راضی نباشند. در روایت آمده که علی (علیه السلام) هنگام تلاوت این آیه از یاران خود پرسید: آیا این پیروزی حاصل شده است؟ گفتند: آری. فرمود: كَلَّا! فَوَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ! حَتَّى لَا يَبْقَى قَرْيَةٌ إِلَّا وَزِينَادِي بِشَهَادَةٍ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ بَكْرَةً وَعَشِيَّتًا؛ نه! سوگند به کسی که جانم به دست او است! این پیروزی، آشکار نمی شود مگر زمانی که هیچ آبادی روی زمین باقی نماند، مگر آن که صبح و شما بانگ لا إله إلا الله از آن به گوش رسد. امام باقر (علیه السلام) فرمود: إِنَّ ذَالِكَ يَكُونُ عَمَدًا خُرُو أَقْرَبَ بِمَحْمَدٍ؛ این پیروزی. به هنگام قیام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) از آل محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) خواهد بود؛ آن چنانکه هیچ کس در جهانی باقی نمی ماند مگر آن که اقرار به رسالت محمد (صلی الله علیه وآله وسلم)، خواهد کرد. از این آیات و روایات به روشنی استفاده می شود که: ۱- سرانجام، صالحان اند که وارث کلّ زمین اند، نه شرق یا غرب، جنوب یا شمال آن. ۲- افراد شایسته. جانشین پیشینیان در کلّ کره ی زمین اند و قدرت شان در همه جای عالم ظاهری شود. ۳- دین اسلام غالب بر همه ی ادیان، در جای جای کره ی زمین حاکم خواهد شد. ۴- همه ی این ها در عصر ظهور حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) واقع خواهد شد. نتیجه این که حکومت مهدی (علیه السلام) حکومتی جهانی خواهد بود و این حکومت واحد جهانی، جزء وعده های الهی است که تخلف ندارد؛ زیرا، إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْلِفُ الْمِيعَادَ. بنابراین، اعتقاد به تشکیل حکومت واحد جهانی، نشئت گرفته از قرآن کریم و روایات اهل بیت (علیهم السلام) است که خداوند وعده ی تحقق آن بر اداره و تخلفی نخواهد داشت.

## عصر ظهور یا مدینه فاضله موعود در اسلام

### مقدمه

انسان در طول تاریخ، هیچ گاه از اندیشه و رؤیای «به زیستن» فارغ نبوده و نگاه او همواره برای یافتن آینده ای بهتر و سامان یافته تر، دوخته شده است. با آن که زورمداران و استضعاف گران، همیشه مخالفان رژیم خود را در هم می کوبند، در بند می کنند، به زندان می اندازند، به خاک و خون می کشند و می خواهند از هر طریق ممکن موقعیت خویش را حفظ کنند؛ اما مستضعفان به امید رسیدن به روزی خوش - روزی که به خواسته های مشروع خود برسند - زندگی را بر حاکمان ستمگر، سخت و تلخ ساخته و مسیر تاریخ را عوض کرده اند. سیاه پوست آمریکایی و آفریقایی قیام کرده حقوق خود را می طلبند. مردم اندونزی، الجزایر و ایران بیا

خواستار استعمار و استعمارگران را طرد می‌کنند و به حیات آنها خاتمه می‌دهند و فلسطینی‌ها به انتفاضه خود ادامه می‌دهند. آرزوی به زیستن و داشتن زندگی آرام، با زندگی بشر عجین بوده و در طول تاریخ، از آن جدا نشده است. او همواره، به فکر چنان روزی بوده و آنی از این اندیشه، جدا نشده است؛ گرچه هنوز در ایجاد چنان زندگی مطلوب و ایده آل خود، موفقیتی نداشته است. رؤیای مزبور در زندگی انسان، به گونه‌های مختلفی تبلور یافته و اندیشمندان هر عصری، برای تعبیر شدن آن، چاره‌ها اندیشیده و آن را در قالب «مدینه فاضله» مطرح کرده‌اند که در آن از نابسامانی و دغدغه‌های جوامع موجود، اثر و نشانی نباشد. از مدینه فاضله افلاطونی گرفته تا مدینه فاضله فارابی، و از مدینه فاضله کمونیست‌ها و سوسیالیست‌های تخیلی و بهشت موعود آنان، گرفته تا مدینه فاضله عصر روشنگری و انسان‌مداری... آنها به خیال خود بشر را از قید و بند دین و آداب و تکالیف دینی آزاد نموده و انسان را محور همه چیز قرار داده‌اند و دین و مذهب انسانیت را پایه‌گذاری کرده‌اند. اما «مدینه فاضله موعود» اسلام - که در قرآن و روایات وعده تحقق آن داده شده - غیر از این مدینه‌های فاضله‌ای است که دیگران مطرح کرده‌اند؛ زیرا ویژگی‌های مدینه فاضله اسلامی - که در عصر حکومت حضرت مهدی (عج) تحقق پیدا خواهد کرد - به گونه‌ای است که آن را از سایر مدینه‌های فاضله پیشنهادی دیگران، ممتاز می‌سازد. در این مقاله نخست به آینده جهان از دیدگاه اسلام اشاره می‌شود؛ سپس ویژگی‌های عصر ظهور و مدینه فاضله اسلام بیان می‌گردد.

### آینده جهان در دیدگاه اسلام

اوضاع آشفته و اسفناک جهان، مردم را به وحشت انداخته و جنگ‌های سرد و گرم، مسابقه تسلیحاتی، صف آرایی قدرتمندان و... جهانیان را خسته و فرسوده کرده است. تولید و تکثیر سلاح‌های جنگی، نسل بشر را تهدید به نابودی می‌کند، و خودسری و طغیان غارت‌گران بین‌المللی، ملل عقب‌نگاه داشته شده را از تمام شؤون زندگی ساقط ساخته است. محرومیت روز افزون طبقه ضعیف، استمداد گرسنگان جهان و گسترش فقر و بی‌کاری، وجدان‌های زنده و دل‌های حساس را پریشان نموده است. تنزل اخلاق انسان‌ها، بی‌رغبتی نسبت به امور دینی، روی گردانی از قوانین الهی، افراط در مادی‌گری و رونق یافتن مظاهر فساد و شهوت پرستی، روشن‌بینان و آگاهان جهان را مضطرب کرده است. این اوضاع خیرخواهان، عاقبت‌اندیشان و اصلاح‌طلبان را سرگردان نموده و زنگ سقوط انسانیت در گوش آنان طنین انداخته است و آنان را نسبت به اوضاع آینده جهان بدبین کرده است. آنان از عواقب وخیم و سرنوشت خطرناک آن به خود می‌لرزند و از حل مشکل جهان اظهار عجز می‌کنند. در این میان مسلمانان آگاه - به ویژه شیعیان - از یاس و نومیدی دوری گزیده و به عاقبت و سرنوشت بشر خوشبین‌اند. آنان در انتظار روز موعود اسلام و مدینه فاضله آن، روز شماری می‌کنند و عاقبت کار را از آن مردم نیک‌کردار می‌دانند. ایشان معتقداند که از قوانین موضوعه و سازمان‌های پر زرق و برق بین‌المللی، کاری ساخته نیست. آن مدینه فاضله و عصر درخشانی که در آن بشر به سعادت و کمال لایق خویش می‌رسد. حاکمیت در آن زمان، از آن امام معصوم است که از خطا، اشتباه و غرض‌ورزی منزّه و پاک است. این همان روزی است که قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم السلام، بشریت را مأمور به انتظار چنان روزی نموده و دستور ایجاد زمینه و آمادگی از هر جهت را به بشریت داده‌اند. این عقیده نشأت گرفته از آیات قرآن و روایات متواتر قطعی از طریق اهل بیت علیهم السلام است. انتظار در آیات و روایات: [۳۸]. آیات: ۱. «قال موسی لقومه استعینوا بالله، واصبروا ان الارض لله یورثها من یشاء من عباده والعاقبة للمتقین [۳۹]» موسی به قوم خود گفت: از خدا یاری بخواهید و شکیبایی کنید، به تحقیق که زمین از آن خدا است؛ به هر کس از بندگانش بخواهد منتقل می‌فرماید و حسن عاقبت از آن پرهیزکاران است». ۲. «واورثنا القوم الذین کانوا یتضعفون مشارق الارض ومغاربها التي بارکنا فیها وتمت کلمة ربک الحسنی علی بنی اسرائیل بما صبروا ودمرنا ما کان یصنع فرعون وقومه وما کانوا یعرشون [۴۰]» و میراث دادیم به قومی که ضعیف شمرده شده بودند خاورهای زمین و باخترهای آن را که مبارک

گردانیده بودیم، و تمام گردید کلمه و وعده نیکوی پروردگار تو بر بنی اسرائیل به سبب آن که صبر کردند، و ویران ساختیم آنچه را فرعون و قومش می ساختند و آنچه را که افراسنه بودند». ۳. «بل نقذف بالحق علی الباطل فیدمغه فاذا هو زاهق [۴۱] بلکه حق را به شدت بر باطل افکنیم، پس حق باطل را در هم می شکند، آن گاه از میان می رود». ۴. «یریدون لیطفوا نور الله بافواههم والله متم نوره ولو کره الکافرون؛ [۴۲] می خواهند نور خدا را با دهانشان خاموش سازند و خداوند تمام کننده نور خویش است هر چند کافران را خوش نیاید». ۵. «ولقد کتبنا فی الزبور من بعد الذکر ان الارض یرثها عباد الصالحون [۴۳] همانا در زبور پس از ذکر (تورات)، نگاشتیم که زمین را بندگان شایسته به ارث می برند». ۶. «ونرید ان نم ن علی الذین استضعفوا فی الارض ونجعلهم ائمه ونجعلهم الوارثین [۴۴] ما اراده کردیم که بر آنان که در زمین استضعاف شدند، منت گذاریم و آنان را پیشوای مردم و وارث زمین و ملک و جاه گردانیم». ۷. «ولقد سبقت کلمتنا لعبادنا المرسلین انهم لهم المنصورون وان جندنا لهم الغالبون [۴۵] همانا عهد ما درباره بندگانمانی که به رسالت فرستادیم، سبقت گرفته است که البته آنها بر کافران فتح و پیروزی یابند و قطعا سپاهیان ما غالب اند». ۸. «ویرید الله ان یحق الحق بکلماته ویقطع دابر الکافرین [۴۶] و خداوند می خواست که صدق سخنان حق را ثابت گردانیده و ریشه کافران را از بیخ بن برکند». ۹. «وعد الله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض [۴۷] خداوند وعده فرموده به کسانی از شما که ایمان آورده و نیکوکار گردد [به این که] در زمین خلافت دهد». ۱۰. «فان حزب الله هم الغالبون [۴۸] همانا حزب خدا پیروز است». ۱۱. «هو الذی ارسل رسوله بالهدی و دین الحق لیظهره علی الدین کله [۴۹] او است خدا که رسول خود را با دین حق به هدایت خلق فرستاد تا بر همه ادیان عالم او را تسلط و برتری دهد». روایات: ۱. حضرت علی علیه السلام فرمود: لتعطفن الدنیا علینا بعد شماسها عطف الضروس علی ولدها وتلی عقیب ذالک ونرید ان نم ن علی الذین استضعفوا فی الارض [۵۰] دنیا پس از چموشی - همچون شتری که از دادن شیر به دوشنده اش خودداری می کند و برای بچه اش نگه می دارد - به ما روی می آورد... [سپس حضرت آیه شریفه را قرائت کرد]. ۲. «قال رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم لو لم یبق من الدهر الا یوم، لبعث الله رجلا - من اهل بیتی یملاها عدلا کما ملئت جورا [۵۱] رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: اگر باقی نماند از روزگار مگر یک روز، البته خداوند بر می انگیزد مردی از اهل بیت مرا که زمین را از عدل پر کند، همچنان که از ستم پر شده باشد». ۳. «قال الصادق علیه السلام: ان لنا دوله یمحی الله بها اذا شاء، ثم قال: من سر ان یکون من اصحاب القائم فلینتظر ولیعمل بالورع ومحاسن الاخلاق وهو منتظر [۵۲] امام صادق علیه السلام فرمود: البته برای ما دولتی است که وقتی خداوند خواست، آن را می آورد. هر کس شاد می شود که از اصحاب قائم باشد باید منتظر باشد و باید کار به پارسایی و اخلاق نیک کند و چنین کسی منتظر است». روایات در این رابطه بسیار است که نیاز به نقل همه آنها نیست. طبق این آیات و روایات خداوند، وعده تشکیل حکومت واحد جهانی، بسط و غلبه دین اسلام بر کلیه ادیان، زمامداری صالحان و شایستگان پیروزی حزب الله و غلبه لشکریان خدا بر جنود شیطان را داده است. البته این وعده تا کنون محقق نشده است و در روایات نیز، گفته شده که این موضوع در عصر ظهور مهدی علیه السلام واقع خواهد شد. از این رو شیعه و آگاهان از اهل سنت، به چنان روزی معتقد شده و انتظار آن را می کشند و کلام رسول خدا (افضل العبادة انتظار الفرج) [۵۳] را مربوط به آن عصر و انتظار آن مدینه فاضله می دانند. بر اساس آیات قرآن و روایات اهل بیت، آینده جهان، روشن و امید بخش است هر چند که امروزه تیره و تاریک می باشد. از این رو ما به امید روزی نشستیم ایم که حاکمیت در آن، مخصوص ولی معصوم خدا و قوانین جاری در آن، مبتنی بر احکام الهی باشد، عدل و علم گسترش یافته و برادری و برابری در جامعه حاکم گردد. ظلم، ستم، جهل، تیرگی، کینه توزی و خون ریزی در آن ریشه کن گردد و از اختلافات و وجود طبقات برتر و فروتر و استکبار و استضعاف در آن، خبری نباشد.



## اشاره

مدینه فاضله اسلامی - که در عصر ظهور به دست مهدی آل محمد صلی الله علیه و آله وسلم بنا می شود - ویژگی ها و خصایصی دارد که آن را از سایر مدینه های بیان شده، ممتاز و جدا می سازد؛ که در ذیل به بعضی از آنها اشاره می شود:

## حاکم در عصر ظهور

پیشرفت ها در عصر ظهور، معلول عواملی است که یکی از آنها وجود رهبری معصوم، پاک و منزّه از هر نوع عیب و نقص (از قبیل احساسات حیوانی، خشم، غضب بی جا، شهوت، کبر و غرور و خودخواهی) است. او فقط وابسته به خدا است و به همه ملت ها، جمعیت ها و نژادها، با چشم مهربانی و برابری نگاه می کند و فرقی بین اقوام و قبایل قائل نیست. بین سیاه و سفید، آسیایی و آمریکایی و اروپایی و آفریقایی فرقی نمی گذارد و به همه با دید یکسان می نگرد؛ در حالی که رهبران دیگر دنیا چنین نیستند، و عالی ترین همت آنان، استعمار دیگران و هضم یک جامعه در جامعه قوی تر و کوشش برای یک ملت است. آنها می خواهند ملتی را فدای ملت دیگر کنند و ذخایر طبیعی ملت ضعیف را به نفع ملت خود تصاحب نمایند. اما رهبران الهی چون وابسته به جمعیت خاصی نبوده و خود را وابسته به خدایی می دانند که خالق و رازق همه است، هدفشان آسایش عمومی، آزادی گسترده و تشکیل یک سازمان عالی الهی است که در سایه آن، بشر مانند افراد یک خانواده زندگی کنند و سفید و سیاه باهم برادر و برابر باشند. آری سرانجام اداره امور جهان، در کف با کفایت صالح ترین افراد بشر قرار خواهد گرفت و به برکت وجود آن حاکم معصوم الهی، بشریت از آسیب ظلم و ستم نجات یافته، از ترس فقر، پریشانی، ناامنی های گوناگون و بی عدالتی ها آزاد خواهد شد. اینک که عالم به سوی یک آینده درخشان، تکامل روحانی و عقلانی، نظام مستحکم دینی و الهی، عصر صلح و صفا و برادری و همکاری، پیش می رود. ما نیز به امید آن عصر نورانی، با نشاط فراوان و دلی زنده پا برجا ایستاده و انجام وظیفه می کنیم و تنها آرزوی ما، زندگی در پناه حکومت آن راد مرد عالم بشریت حضرت مهدی (عج) است.

## حکومت در عصر ظهور

حکومتی که در مدینه فاضله اسلامی و در عصر حاکمیت امام مهدی (عج) مستقر خواهد شد، در تمام جهات با حکومت های موجود در عالم فرق دارد. حاکم، نوع حکومت، قوانین و نظامات جاری در آن، هیچ شباهتی با حکومت های موجود در عالم ندارد: نوع حکومتش، الهی و بر مبنای ایمان به خدای یگانه و توحید خالص است و هدفش متحد کردن جماعت ها و ملت ها، برداشتن دیوارهای امتیازات و اعتبارات بیهوده، برقرار کردن توحید کلمه، ایجاد همکاری و ارتباط بین مردم است. حاکم آن نیز امام معصوم، احیا کننده شریعت نبوی و مجری قوانین اسلامی و دستورات الهی است. اسلام می خواهد تمام اختلافات و جدایی ها را که به نام های گوناگون پدید آمده، به وسیله عقیده توحیدی، از میان بردارد. تمامی اختلافات نژادی، طبقاتی، ملی، وطنی، جغرافیایی، مسلکی، حزبی و زبانی باید از میان برود و سبب امتیاز، افتخار و اعتبار نباشد و حتی در آن حکومت، اختلاف دینی هم باید کنار گذاشته شود و همه، در زیر پرچم اسلام تسلیم فرمان خدا باشند. این همان حکومت واحد جهانی است که کره زمین با یک حاکم، یک نوع حکومت و با یک شیوه و روش عادلانه اداره می شود. اسلام برای بشر چنین حکومتی را پیش بینی کرده و در حدودی که وظیفه تشریح است، مقدمات آن را فراهم ساخته و عملی شدن آن را موکول به آماده شدن زمینه کامل آن کرده است. اساساً حفظ یک انسان کامل به عنوان ولی الله الاعظم و نگه داری آن در پشت پرده غیبت، برای تشکیل چنان حکومت واحد جهانی است؛ زیرا تشکیل چنان حکومتی، از عهده انسان های عادی خارج است.

## عدل در عصر ظهور

در اسلام، مسأله عدل، از روز نخست در تمام زمینه‌ها مورد توجه و عنایت بوده است. از بعد عقیدتی و دینی گرفته تا بعد فقهی و اجتماعی، از قرآن و سنت بر می‌آید که عدل و مظاهر آن، پسندیده و موجب خشنودی حضرت حق است. اما قدر و منزلت آن، به علت گستردگی و اقامه آن در سطح وسیع اجتماعی است. یعنی، مردم آن قدر به رشد معنوی و کمال روحی نایل گردند که تمام افراد یا حداقل اکثر آنان، خواهان عدل باشند و خود عملاً آن را به اجرا گذارند. پیامبران الهی، در مأموریت آسمانی خود، خواهان اقامه عدل در جهان و در بین همه انسان‌ها بوده‌اند و می‌خواستند مردم را طوری تربیت کنند که آنان خود قسط و عدل را به پا دارند. نه آن که به زور و قدرت حاکم به عدالت تن دهند. قرآن کریم می‌فرماید: «لقد ارسلنا رسلنا بالبینات وانزلنا معهم الكتاب والمیزان ليقوم الناس بالقسط». [۵۴]. از این آیه استفاده می‌شود که پیامبران می‌خواستند، مردم را طوری تربیت کنند تا خود، قیام به قسط نمایند و عدل را بر پا دارند. لذا فرمود: «لیقوم الناس بالقسط» و فرمود: «لیقیموا الناس بالقسط» تا معنایش این باشد که پیامبران به عنوان حاکم عادل، مانند سایر زمامداران عادل، مردم را با نیروی نظامی و انتظامی و قدرت‌های اجرایی، به رعایت عدل وادارند. زیرا فرق است بین این که حاکمی خود عادل باشد و بخواهد در حکومت او عدل اجرا شود و به کسی ستم نگردد و بین آن که مردم در جامعه، از نظر کمالات و درک عقلانی به جایی برسند که خود اقامه عدل نمایند و بفهمند که عدل برتر از ظلم است و در آنان کششی نسبت به ظلم نباشد. به هر حال در اسلام و تعالیم الهی، عدل از جایگاه رفیعی برخوردار است تا جایی که همه انسان‌ها مأمور شده‌اند در تمام زمینه‌های زندگی خود - در اصول و فروع، در نظام اجتماعی و اقتصادی، سیاسی و نظامی، در گفتار و کردار و... عدالت را مراعات کنند: «اعدلوا هو اقرب للتقوی [۵۵] عدالت ورزید که عدالت به تقوا نزدیک تر است». و «اذا قلتُم فاعدلوا [۵۶] وقتی سخن گفتید به عدالت سخن گوید». و «ان الله یامر بالعدل والاحسان [۵۷] خدای متعال به عدل و احسان امر می‌کند». و «و لا یجرمنکم شان قوم علی ان لا تعدلوا اعدلوا هو اقرب للتقوی...» [۵۸]. رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است: «من لم یحمد عدلا و لم یذم جورا فقد بارز الله تعالی بالمحاربة [۵۹] هر کس عدل را تمجید نکند و از جور و بیداد مذمت ننماید، به جنگ با خدای تعالی برخاسته است». آیات و روایات درباره شرافت، عظمت و اهمیت «عدالت» به قدری زیاد است که از گنجایش این نوشتار خارج است. بنابراین کلمه عدل، واژه غریبی نیست. اما حقیقتی قریب هم نیست. بشر در طول تاریخ زندگی خود، همواره منتظر بوده که روزی، این خواب تعبیر شود و عدل در جوامع بشری حاکم گردد. انسان‌های بسیاری نیز با اندیشه عدل و عدالت خواهی، به فکر تعبیر این رؤیای شیرین بشری بر آمده و تلاش بسیار کرده‌اند. اما تلاش آنان در بیشتر موارد کم‌ثمر یا بی‌ثمر مانده و عدالت در معنای حقیقی آن، همچنان در عالم رؤیا باقی مانده است. و هر چقدر سخت است تعبیر نشدن این رؤیای شیرین و دلپذیر! رؤیایی که تمامی اجزای وجود انسان، در طول تاریخ، با آن عجین بوده و نگاه پر انتظار او، در تعبیر آن خسته و کم‌سو گشته است. با همه این احوال، هیچ‌گاه آرزوی تعبیر شدن این رؤیا، در اعماق دل و جان انسان‌ها به یاس و ناامیدی تبدیل نشده است. اما هر چه بر شماره اوراق تاریخ افزون می‌گردد، از شماره انتظار ما کاسته می‌شود و این همان چراغ امید است که قرن‌ها در دل انسان‌ها، به عشق آمدن آن منجی، روشن و فروزان است. به عشق او که نامش «عدل» است: «السلام علی العدل المشتهر» و «اللهم صل علی ولی امرک القائم المؤمل و العدل المنتظر». [۶۰]. دو چیز از شاخصه‌های اصلی حکومت او است: ۱. حکومت واحد جهانی که تنها او است که چنین حکومتی را ایجاد می‌کند. ۲. عدل جهانی که تنها در جامعه‌ای که او تشکیل می‌دهد و خود در راس آن قرار می‌گیرد، عدل با تمام ابعادش گسترده می‌شود. همان‌گونه که حکومت او جهانی است، عدل او نیز گسترده و جهانی است و در روایات، این شاخصه از سایر شاخصه‌های دیگر کومت حضرت مهدی (عج)، بارزتر و بیشتر مورد توجه قرار گرفته است. «یملأ الله الارض قسطا و عدلا کما ملئت ظلما و جورا». رسول خدا در حدیثی فرمود: «ابشرکم بالمهدی یبعث فی امتی علی اختلاف من الناس و زلازل فیملأ الارض قسطا و عدلا کما ملئت جورا و ظلما، یرضی عنه ساکن السماء و ساکن

الارض [۶۱...]. مژده می دهد شما را به مهدی که او در امت من، به هنگام اختلاف و سختی ها برانگیخته می شود. پس زمین را پر از قسط و عدل می سازد همان طوری که از جور و ستم پر شده باشد. ساکنان آسمان و زمین از او راضی می شوند و... بنابراین در مدینه فاضله اسلامی و در عصر ظهور آن منجی عالم، عمدتاً از عدل و قسط سخن به میان می آید. دامنه عدالت او تا اقصی نقاط منازل و زوایای ناپیدای جامعه، گسترده می شود. عدالت همانند گرما و سرما در درون خانه های مردمان نفوذ می کند و مامن و مسکن وجود آنان را سامان می بخشد. [۶۲]. در حکومت آن حضرت هیچ ویژگی به اندازه «عدل و قسط»، برجستگی و روشنی ندارد و مردم آن حضرت را عمدتاً از عدل او می شناسند و الآن نیز آنچه در اولین لحظه از نام مبارک او در ذهن خطور می کند، عدل او است.

### علم در عصر ظهور

عصر ظهور، زمان گسترش و شکوفایی علم و دانایی است، و مدینه فاضله اسلامی، شهر علم و دانش است. با آمدن منجی عالم، همان گونه که ظلم و بیداد جای خود را به عدل و دادگری می سپارد، و نابسامانی های اجتماعی به سامان می گراید، جاهل و نادانی نیز جای خود را به علم و دانایی می دهد و جهان از نور عقل و دانش آکنده می شود. علوم و دانش هایی که در طول اعصار و قرون در پشت پرده ها مکنون مانده بود، ابراز می گردد و مرز دانایی و یادگیری تا سرآورده منازل و اعماق وجود تک تک انسان ها، گسترش می یابد. امام صادق علیه السلام در این باره فرموده است: «العلم سبعة وعشرون حرفاً فجميع ما جئت به الرسل حرفان، فلم يعرف الناس حتى اليوم غير الحرفين فاذا قام قائمنا اخرج الخمسة والعشرين حرفاً فبثها في الناس وضم اليها الحرفين حتى يثبتها سبعة وعشرون حرفاً [۶۳]. علم و دانش ۲۷ حرف است و ۲۷ شعبه و شاخه دارد. تمام آنچه پیامبران الهی برای مردم آوردند، دو حرف بیش نبود و مردم تا کنون جز آن دو حرف را نشناخته اند. اما هنگامی که قائم ما قیام کند. ۲۵ حرف و شاخه و شعبه دیگر را آشکار و در میان مردم منتشر می سازد و دو حرف دیگر را با آن ضمیمه می کند تا ۲۷ حرف کامل و منتشر گردد». این حدیث به روشنی، جهش فوق العاده علمی عصر انقلاب مهدی (عج) را مشخص می سازد یعنی، تحول و پیشرفتی به میزان بیش از دوازده برابر، نسبت به تمامی علوم و دانش هایی که در عصر همه پیامبران راستین به بشریت اعطا شده است، پیش می آید و درهای تمامی رشته ها و شاخه های علوم مفید و سازنده، به روی انسان ها گشوده می شود و راهی را که بشر طی هزاران سال پیموده، به میزان بیش از دوازده برابر آن در اندک زمانی پیموده می شود. حضرت امام باقر علیه السلام نیز فرموده است: «اذا قام قائمنا وضع الله يده على رؤوس العباد فجمع بها عقولهم و كملت بها احلامهم [۶۴]. هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند دست محبتش را به سر بندگان می گذارد و عقول آنها را با آن کامل و افکارشان را پرورش داده تکمیل می کند». بدین ترتیب، در پرتو ارشاد و هدایت حضرت مهدی (عج) و در زیر دست عنایت او، مغزها در مسیر کمال به حرکت در می آید و اندیشه ها شکوفا می شوند. کوه بینه ها، تنگ نظری ها و افکار پست و پلید - که سرچشمه بسیاری از تضادها و برخوردهای خشونت آمیز اجتماعی است - برطرف می گردد. مردمی بلند نظر، با افکاری باز و سینه هایی گشاده و همتی والا و بینشی وسیع، پرورش می یابند، لذا هر ۲۷ حرف علم پیاده می شود.

### ارتباطات در عصر ظهور

در عصر ظهور، به جهت جهش علمی و پیشرفت فن آوری و صنعت، وسایل ارتباطات و اطلاعات آن قدر پیشرفته خواهد بود که دنیا را همچون کف دست نشان می دهد و برای آگاهی به اقصی نقاط کشور، نیازی به وسایل و ابزار ارتباطی امروزی نیست. از این رو حکومت مرکزی، نسبت به کل عالم - که تحت حکومت واحد او هستند - تسلط کامل دارد و به موقع و بدون فوت وقت،

وارد عمل شده، مشکل را حل می کند و هرگونه توطئه و فساد را در نطفه خفه می سازد. بین امام مهدی (عج) و مردم، نامه رسانی وجود ندارد و مردم در هر نقطه ای از کره زمین، امام را مشاهده می کنند و امام با آنان سخن می گوید. این مساله، اختصاص به امام و رعیت ندارد؛ بلکه مردم عادی نیز با همدیگر سخن می گویند و همدیگر را مشاهده می کنند، در حالی که یکی در مشرق عالم و دیگری در مغرب آن است. امام صادق علیه السلام می فرماید: «ان قائمنا اذا قام مد الله لشيئتنا في اسماعهم و ابصارهم حتى لا يكون بينهم و بين القائم عليه السلام برید، يكلمهم فيسمعون، و ينظرون اليه و هو في مكانه [۶۵].» هنگامی که قائم ماقیام کند، خداوند آن چنان گوش و چشم شیعیان ما را تقویت می کند که میان آنان و آن حضرت (رهبر و پیشوایان) نامه رسان نخواهد بود، با آنها سخن می گوید و آنان سخنش را می شنوند و او را می بینند؛ در حالی که او در مکان خویش است [و مردم در نقاط دیگر جهان]. وسایل انتقال صدا و تصویر، به طور همگانی، ساده و آسان در اختیار همه پیروان او قرار می گیرد؛ آن چنان که چیزی به نام اداره پست در آن عصر، چیز زایدی به حساب می آید و مسائل جاری آن حکومت، بدون نیاز به کاغذ بازی، حل و فصل می شود؛ زیرا همه دستورها و برنامه ها با سیستم «شهود و حضور» ابلاغ و اجرا می شود. امام صادق علیه السلام، در گفتار دیگری این حقیقت را به طور بارزی تکمیل فرموده است: «ان المؤمن في زمان القائم و هو بالمشرق ليري اخاه الذي في المغرب و كذا الذي في المغرب يري اخاه الذي بالمشرق [۶۶].» مؤمن در زمان حضرت مهدی (عج) در حالی که در مشرق است برادر خود را در مغرب می بیند و همچنین کسی که در مغرب است، برادرش را در مشرق مشاهده می کند. بنابراین ارتباط مستقیم نه تنها در سطح حکومت؛ بلکه در میان عموم نیز عملی می شود. در این زمان پیوندهای ظاهری، جسمانی و معنوی دل ها را استحکام می بخشد، به گونه ای که جهان به راستی به شکل یک خانه و مردمش همچون اهل یک خانواده در می آیند. امام صادق علیه السلام می فرماید: «اذا تناهت الامور الى صاحب هذا الامر رفع الله تبارك و تعالی له كل منخفض من الارض و خفض له كل مرتفع حتى تكون الدنيا عنده بمنزله راحته فايكم لو كانت في راحته شعرة لم يبصرها [۶۷].» وقتی کارها به صاحب اصلی ولایت [حضرت مهدی علیه السلام] برسد، خداوند هر نقطه فرورفته ای از زمین را برای او مرتفع و هر نقطه مرتفعی را پایین می برد. آن چنان که تمام دنیا نزد او به منزله کف دستش خواهد بود. کدام یک از شماها اگر در کف دستش مویی باشد، آن را نمی بیند؟» طبق این حدیث در عصر ظهور، یک سیستم نیرومند و مجهز، برای انتقال تصویرها به وجود خواهد آمد که شاید تصور آن امروزه برای ما مشکل باشد. تمام جهان به منزله کف دست خواهد شد و پستی و بلندی های زمین، مانع از رؤیت موجودات روی زمین نخواهد بود. البته بدون یک چنین سلطه اطلاعاتی و ارتباطی بر تمام کره زمین، حکومت واحد جهانی و صلح، امنیت و عدالت به طور همه جانبه، امکان پذیر نخواهد بود. برای اداره چنان حکومتی، امکانات زیادی لازم است که خداوند آنها را در اختیار او و تشکیلاتش قرار می دهد. امام باقر علیه السلام نیز فرموده است: «انما سمي المهدي لانه يهدي الي امر خفي حتى انه يبعث الي رجل لا يعلم الناس له ذنب فيقتله حتى ان احدكم يتكلم في بيته فيخاف ان يشهد عليه الجدار [۶۸].» حضرت مهدی (عج) از این جهت مهدی نامیده شده است که به امور مخفی و پنهان هدایت می شود، تا آن جا که گاه او به سراغ کسی می فرستد که مردم او را بی گناه دانسته و به قتل می رسانند [زیرا از گناه نهانی او همانند قتل نفس که موجب قصاص است آگاه است] و تا آن جا که برخی از مردم هنگامی که درون خانه خود سخن می گویند، می ترسند دیوار بر ضد آنها شهادت دهد. این حدیث نیز گواه آن است که در آن عصر، نیکان و پاکان در نهایت آزادی به سر می برند؛ خلافکاران چنان تحت کنترل اند که ممکن است امواج صوتی آنان، با وسایل پیشرفته ای از دیوار خانه هایشان باز گرفته شود و به هنگام لزوم، می توان فهمید که آنها در درون خانه چه گفته اند؟! گفتنی است که این پیشرفت های عظیم، محصول تکامل علمی عصر بعد از ظهور است، نه اعجاز؛ زیرا زندگی بشر در این عالم، باید مطابق سنت های طبیعی باشد؛ نه اعجازی که امری استثنایی و برای موارد ضروری و فوق العاده است، آن هم در مسیر اثبات حقانیت دعوت نبوت یا امامت.

مدینه فاضله اسلامی، در حقیقت آرمان شهر آسایش و رفاه همگانی است. رفاه و تنعم به گونه ای خواهد بود که دیگر نیازمندی در سطح جامعه یافت نمی شود؛ چون توزیع عادلانه منابع و ثروت جایی برای فقر و طبقه ضعیف باقی نمی گذارد. در آن جامعه، مانند جوامع کنونی عمل نمی شود که بیش از هشتاد درصد ثروت، در دست کمتر از بیست درصد و بیست درصد آن در دست هشتاد درصد مردم باشد و در نتیجه طبقه مرفه و فقیر پیدا شود. به علاوه در آن عصر، به جهت اجرای عدالت، نه آسمان از ریزش برکات خود بر مردم دریغ می ورزد و نه زمین امساک می کند؛ بلکه هرچه دارند در اختیار بشر قرار می دهند. از این رو در شهر عدالت که حقوق انسان ها محور توجه و برنامه ریزی است، بالطبع بذریه این توجه، محصولی چون رفاه و برخورداری همگانی از موهبت های الهی را در پی خواهد داشت. این موضوع در روایات اهل بیت علیهم السلام به خوبی تبیین شده است: «انه یبلغ سلطانه المشرق والمغرب وتظهر له الكنوز ولایبقی فی الارض خراب الا یعمره [۶۹]. حکومت او شرق و غرب جهان را فرا می گیرد و گنج های زمین برای او ظاهر می شود و در سرتاسر جهان جای ویرانی باقی نخواهد ماند؛ مگر این که آن را آباد خواهد ساخت». امام صادق علیه السلام فرمود: «اذا قام القائم حکم بالعدل وارفع فی ایامه الجور و آمنت به السبل و اخرجت الارض برکاتها ورد کل حق الی اهله... و حکم بین الناس بحکم داود و حکم محمد صلی الله علیه و آله وسلم فحیثند تظهر الارض کنوزها و تبدی برکاتها و لایجد الرجل منکم یومئذ موضعا لصدقته و لا لبره لشمول الغنی جمیع المؤمنین [۷۰...]. وقتی که قائم قیام کند، حکومت را براساس عدالت قرار می دهد و ظلم و جور در دوران او برچیده می شود و جاده ها در پرتو وجودش، امن و امان می گردد، و زمین برکاتش را خارج می سازد و هر حقی به صاحبش می رسد، و در میان مردم، همانند داود و محمد صلی الله علیه و آله حکم و داوری می کند. در این هنگام زمین گنج هایش را آشکار می سازد و برکات خود را ظاهر می کند و کسی موردی را برای انفاق و صدقه و کمک مالی نمی یابد؛ زیرا همه مؤمنان بی نیاز و غنی خواهند شد...». بیان ظاهر شدن برکات زمین و خارج شدن گنج ها، نشان می دهد که هم مساله زراعت و کشاورزی به اوج ترقی خود می رسد و هم تمام منابع زیر زمینی، کشف و مورد استفاده قرار می گیرد. در آمد سرانه افراد، آن قدر بالا می رود که در هیچ جامعه ای، فقری پیدا نمی شود و همه به سر حد بی نیازی و خود کفایی می رسند. امام علی علیه السلام فرمود: «یزرع الانسان مدا، یخرج له سبعمأة مد کما قال الله تعالی کمثل حبة انبتت سبع سنابل فی کل سنبله ماء حبة والله یضاعف لمن یشاء [۷۱]. در عصر حضرت مهدی] انسان یک مد می کارد و هفتصد مد برداشت می کند، چنان که مضمون آیه شریفه قرآن است». رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: و یخرج له الارض افلاذ کبدها و یحثل المال حثوا و لایعده عدا [۷۲]. زمین در آن عصر قطعات کبده خود را برای او بیرون می فرستد و او ثروت بدون شماره و محاسبه در میان مردم پخش می کند». رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: «ابشركم بالمهدی یملا الارض قسطا کما ملئت جورا و ظلما، یرضی عنه سکان السماء و الارض یقسم المال صحاحا فقال رجل ما معنی صحاحا؟ قال: بالتسویة بین الناس، و یملا قلوب امه محمد غنی و یسعهم عدله حتی یامر منادیا ینادی یقول: من له بالمال حاجة فلا یقوم من الناس الا رجل واحد ثم یامر له بالمال فیأخذ ثم یندم و یرد [۷۳]. شما را به ظهور حضرت مهدی علیه السلام بشارت می دهم که زمین را پر از عدالت می کند، همان گونه که پر از جور و ستم شده است. ساکنان آسمانها و زمین از او راضی می شوند و اموال و ثروت ها را به طور صحیح تقسیم می کند. شخصی پرسید تقسیم صحیح ثروت چیست؟ فرمود: به طور مساوی در میان مردم تقسیم شود و دل های پیروان محمد را پر از بی نیازی کند و عدالتش همه را فرا گیرد، تا آن جا که دستور دهد کسی با صدای بلند صدا زند که هر کس نیاز مالی دارد، برخیزد. هیچ کس جز یک نفر بر نمی خیزد، سپس امام دستور می دهد مال قابل ملاحظه ای به او بدهند؛ اما او به زودی پشیمان می شود که چرا آزمند و حریص بوده است و مال را بر می گرداند».

در عصر ظهور، به جهت وسایل فوق مدرنی که در اختیار مردم قرار می‌گیرد، سفر به فضا و کرات بالا، همانند سفرهای زمینی امری عادی خواهد شد. البته روایات این باب، سفر به آسمان‌ها را برای خود آن حضرت می‌دانند؛ لکن ظاهراً وضع آن زمان، به گونه‌ای خواهد بود که سفر به آسمان‌ها همانند سفر از قاره‌ای به قاره دیگر در عصر ما بوده و امکانات سفر به فضا، در اختیار همه قرار خواهد گرفت؛ یعنی، زندگی بر روی زمین در آن مدینه فاضله، وارد مرحله جدیدی خواهد شد که به طور کلی با وضعیت گذشته فرق دارد. همان گونه که امروزه بشر به پیشرفت‌هایی در صنایع و نرم افزار است یافته که اگر در گذشته گفته می‌شد، پذیرش آن تنها از طریق اعجاز مورد قبول واقع می‌شد. از این رو پیشرفت‌های آن عصر برای مردم امروز ما، به آسانی قابل قبول نیست و عده‌ای هم آن را از باب اعجاز حضرت مهدی (عج) قبول می‌کنند. امام باقر علیه السلام در همین رابطه می‌فرماید: «ذخر لصاحبکم الصعب، قلت: وما الصعب؟ قال ما کان من سحاب فیه رعد وصاعقه او برق، فصاحبکم یرکبه، اما انه سیرکب السحاب ویرقی فی الاسباب اسباب السماوات السبع و الارضین السبع [۷۴]. برای صاحب و سرور شما حضرت مهدی علیه السلام آن وسیله سرکش ذخیره شده است. راوی می‌گوید: گفتم: منظور از وسیله سرکش چیست؟ امام فرمود: ابری است که در آن غرش رعد و شدت صاعقه یا برق است. او بر این وسیله سوار می‌شود، آنگاه باشید او به زودی بر ابرها سوار می‌شود و به آسمان‌ها و زمین‌های هفتگانه صعود می‌کند.» مسلماً منظور از ابر، این ابر معمولی نیست؛ چون ابرهای معمولی وسیله‌ای نیستند که بتوان با آنها سفر فضایی کرد؛ زیرا آنها در جو زمین در حرکت اند و با زمین فاصله چندانی ندارند و نمی‌توانند از آن بالاتر روند. پس منظور وسیله فوق العاده سریعی است که در آسمان، به صورت توده‌ای فشرده از ابر به نظر می‌رسد و غرضی همانند رعد و قدرت و شدتی همچون صاعقه دارد. به هنگام حرکت، دل آسمان را با نیروی فوق العاده خود، می‌شکافد و به پیش می‌رود و می‌تواند تا هر نقطه‌ای از آسمان حرکت کند. بدین ترتیب، آن وسیله‌ای فوق مدرن بوده و شبیه آن در وسایل کنونی وجود ندارد و از تصور ما بیرون است.

### امنیت و سلامت در عصر ظهور

از جمله نیازهای اساسی بشر - که در هرم نیازهای وی جایگاه ویژه‌ای دارد - امنیت است. این نیاز در ابعاد مختلف تجلی می‌یابد: امنیت اخلاقی، اقتصادی، حقوقی، اجتماعی، خانوادگی و... از روایات ظهور استفاده می‌شود، که مدینه فاضله اسلامی، شهر امن و سلام است؛ آن هم در معنای واقعی و در تمامی ابعاد آن. قرآن کریم به انسان‌ها و مؤمنان مستضعف، وعده چنین شهر امن و سلامت را داده و فرموده است: «زندگی شما پس از خوف تبدیل به امن می‌گردد» و ولی تا کنون چنین امنیتی برای بشر در عالم تحقق پیدا نکرده است. و ائمه اطهار علیهم السلام در تفسیر این آیه فرموده‌اند: منظور، عصر ظهور حضرت مهدی آل محمد است. قرآن می‌فرماید: «وعد الله الذین آمنوا منکم و عملوا الصالحات لیستخلفنهم فی الارض کما استخلف الذین من قبلهم و یمکن لهم دینهم الذی ارتضی لهم، و لیبذلنهم من بعد خوفهم امانا...» [۷۵]. در این آیه، سه وعده صریح به مؤمنان وارسته داده شده است: استخلاف در زمین؛ یعنی، حکومت در زمین به عنوان نمایندگی از خدا، (حکومت حق و عدل)؛ تمکین دین؛ یعنی، نفوذ معنوی و حکومت قوانین الهی بر تمامی عرصه‌های زندگی؛ تبدیل خوف به امنیت؛ یعنی، بر طرف شدن تمامی عوامل ترس و ناامنی و جایگزین شدن امنیت کامل و آرامش در همه روی زمین. امام زین العابدین علیه السلام فرموده است: «هم و الله شیعتنا اهل البیت یفعل الله ذلک بهم علی یدی رجل منا و هو مهدی هذه الامه [۷۶]. این گروه به خدا قسم همان پیروان ما هستند که خداوند به وسیله مردی از خاندان ما، این موضوع را تحقق می‌بخشد و او مهدی این امت است.» امام صادق علیه السلام نیز فرمود: «نزلت فی القائم و اصحابه [۷۷] این آیه در شان قائم آل محمد و اصحاب او نازل شده است.» از این رو، می‌گوییم مدینه فاضله عصر ظهور، همان مدینه امن و سلامت مورد وعده آیه یاد شده است.

## تربیت در عصر ظهور

بشر در چندین قرن اخیر، برای آسایش تن، هر چه فرمول اقتصادی و سیاسی و هر چه امکانات علمی و تکنیکی در اختیار داشته، به استخدام در آورده است تا شاید بتواند آسایش این جهانی انسان را بدو باز گرداند. حال آن که او، پس از این همه تلاش، هیچ گونه آرامشی در خود نمی یابد. جهان را تنگ و تاریک و سرد می بیند و در آن احساس حقارت و پوچی می کند و این حالت به اعتقاد منتقدان درون این نظام (انسان محوری و انسان مداری)، جز به نابودی انسان نمی انجامد. اما در مدینه فاضله اسلامی، تنها سخن از آسایش تن و وفور ثروت و رفاه مادی نیست؛ بلکه در تصویر مهندسان این مدینه فاضله، انسان موجودی است دارای ابعاد مختلف که تکامل و رشد او در گرو رشد متوازن تمامی آن ابعاد است. مدینه فاضله و بهشت زمینی موعود، تحقق نمی یابد مگر آن که بارقه ای از آسمان در آن حلول کند. تربیت و پرورش روح انسان ها و توجه به اخلاق و فضایل معنوی - که از اساسی ترین برنامه های ظهور است - در همین راستا معنا می یابد. مدینه فاضله در عین این که شهر عدالت است، شهر رفاه، امنیت، تربیت، سجایا و فضایل انسانی نیز هست. در آن محیط، انسان های صالح تربیت می یابند تا جامعه ای آرمانی و صالح بنا نهند. انسان ها علاوه بر دستیابی به غنای مالی، از غنای قلبی و روحی نیز بهره مند خواهند شد و در کنار اتمام نعمت و وفور ثروت، به اكمال اخلاق و فضیلت های انسانی نیز راه خواهند یافت. کینه های اخلاقی از قلب ها ریشه کن می گردد. دروغ، تزویر و نامردمی، در روابط اجتماعی، جای خود را به یک رویی و یک رنگی می بخشد. در واقع، در چنین بستری رفاه و عدالت و امنیت نیز معنا پیدا می کند و حقیقت خویش را باز می یابد. جز با این نگرش همه جانبه به انسان و در کنار هم چیدن اجزای حقیقی او نمی توان به تعبیر رؤیای همیشگی انسان در تاسیس مدینه فاضله انسانی دست یافت. [۷۸]. به هر حال ویژگی های آن مدینه فاضله، بیش از آن است که در یک مقال بگنجد؛ ولی به جهت پرهیز از اطاله کلام، بیان سایر ویژگی های آن به وقت دیگری موکول می شود.

## عناصر و ساختار نظام سیاسی در حکومت مصلح

پایه و مایه مقاومت ها و نگاه به آینده تمامی پیروان ادیان الهی، در فراز و نشیب های تاریخی، اعتقادی به وجود موعود بوده است. این باور سرخوردگی ها، بن بست ها و مشقات مادی و معنوی را برای معتقدان قابل تحمل کرده، و آنان را به گشایش امیدوار ساخته است. از این منظر موعود روزی خواهد آمد و جهان ستم، جهل و ناآرامی را سامان خواهد داد. در مذاهب چهارگانه مسیح، یهود، مانی و اسلام، این امر موجب انتظار نجات دهنده ای گردیده که می آید و تمام دنیا را اصلاح می نماید. در عقیده هر سه ملت (مذاهب سه گانه) نجات دهنده از دودمان عالی مرتبه خواهد بود. در باور یهود و عیسویان، منجی از نژاد پادشاه اسرائیل است. زرتشتیان سوشیانس پسر زرتشت را موعود می دانند. اما مسلمین امام غائب را از اولاد پیامبر اسلام (ص) می شناسند. به طور کلی وجود منجی، موعود یا مصلح عاملی است که عصرها و نسل ها را برای تداوم زندگی، پویایی داده، ستم دیدگان تاریخ را چشم انتظار منتقم ساخته، و بستر ساز حرکت مستضعفان برای وراثت زمین گردیده است. چنین پریشان حالی و ناامیدی قطعی است که اندیشگران واقع نگر به دو سرانجام برای جهان و جهانیان هشدار می دهند: تلاش جهان سرگردان؛ رستخیز دینی در تلاش زمینه سازی حکومت موعود

## مردم، جایگاه، حقوق و تکالیف

این بحث موضوعی است که از سه زاویه فوق مردم را در حکومت مهدی ارزیابی می کند. این سرفصل، دارای زیر مجموعه هایی است: الف - خواص یا نخبگان؛ ویژگی های نخبه به مفهوم رایج را در دولت امام نفی کرده، اما به نخبگان با شرایط و ویژگی

های انحصاری می‌رسد؛ - مردم و حقوق؛ در این موضوع، امنیت، آبادانی و رفاه توضیح حقوقی است که امام عصر در احقاق آن می‌کوشد؛ ج - تکالیف مردم؛ تعیین تکلیف الهی مبنی بر عدم تساوی مردم به دلیل نوع ایمان و عمل ایمانی آن‌ها، موجب جداسازی صف آنان در حکومت مصلح می‌شود، تا جایی که حتی میان اصحاب و انصار حضرت بقیه‌الله فرق است. اصحاب همان ۳۱۳ نفر هستند که با ایمانی بالا و کرداری وارسته در لحظات آغازین به امام قائم می‌پیوندند. انصار مردم با ایمان و پاک‌باخته‌ای هستند که با قیام ولی عصر به تدریج از مکه به لشکر ایشان می‌پیوندند.

### منجی عادلترین حاکم

فرض کنید مهم‌ترین ویژگی‌های حکومت امام مهدی (ع) ویژگی‌های حاکم نمونه ویژگی‌های حاکم اسلامی است. منجی یعنی نجات دهنده یا نجات بخش. خود واژه به معنای رها بخشیدن و قید و بند را از کسی بر داشتن است. کلمه منجی در ادیان مختلف بکار رفته است و قدیمی‌ترین دینی که درباره این واژه صحبت کرده دین هندوئیسم است. خود هندوها می‌گویند در کتابی که در ۶۰۰ هزار سال قبل نوشته شده از این کلمه استفاده شده است. در تورات و انجیل نیز از این کلمه استفاده شده است. در دین اسلام این کلمه غالباً برای حضرت مهدی بکار رفته است. پلورالیزم یا کثرت گرایی در دین و در حقانیت بیان شده. کثرت در نجات و یک مرتبه در مسائل اجتماعی و سیاسی بیان شده است. الآن در کشور ما در مسائل سیاسی بیان شده است؛ کثرت گرایی دینی و البته ما به آن اعتقاد نداریم. چون با عقل و فلسفه سازگار نیست و نه با آیات و روایات. یعنی ما نمی‌توانیم بگوئیم این دین بر حق است و دین دیگری نیز بر حق است. کثرت گرایی در نجات هم مسئله ایست که از قدیم در میان فیلسوفان بحث شده است مثلاً در کتاب ابوعلی سینا. بهشت منحصر مخصوص شیعیان علی (ع) نیست؛ بجه‌های کفار یا دیوانگان صغار ایتم اینها همه اهل نجاتند. لطف خدا شامل حال آنها هم می‌شود و بهشت نیز می‌روند. آیات شریف قرآن مردم را سه دسته می‌کند که دو دسته اهل نجاتند. و در روایات آمده که بهشت هشت در و جهنم هفت در دارد که روندگان بهشت بیشتر از روندگان جهنمند. بالاترین درجه بهشت فردوس است که مخصوص شیعیان امیر المومنین است. کلمه نجات مربوط به تشکیک است و درجات مختلف دارد و اکثریت مردم اهل نجات هستند. کلمه عادل و عادلترین از واژه عدل گرفته شده و عدل در لغت به معنی تساوی است و گاهی هم به معنای قسط و برابری است این کلمه در یونان باستان فراوان مورد بحث بوده و فلسفه عدل به کرات مورد نظر بوده است. در مورد چیزی صحبت می‌کنیم که به تحقق نپیوسته است. چه کسی می‌تواند در برابر آینده نظر بدهد و قضاوت کند. علم که نمی‌تواند در برابر چیزی که آزمایش نکرده حرفی بزند. فلسفه به سوالاتی پاسخ می‌دهد که علم در برابر آن ناتوان است. فلسفه در برابر آینده جهان پاسخ می‌دهد. علم نمی‌تواند در برابر ماده اولیه جهان پاسخ دهد در حالیکه فلسفه به آن پاسخ می‌دهد. آنچه با الهام و مکاشفه با کشف و شهود بدست می‌آید می‌تواند در برابر آینده اظهار نظر کند. وحی و قرآن و سنت نیز می‌توانند درباره آینده جهان صحبت کنند. امام زمان حکومت جهانی را بر اساس قرب الی الله تشکیل می‌دهند. در اوایل انقلاب بر خلاف مسیحیت که دین را برای اصلاح آخرت میدانند عقیده دین برای دنیا و آخرت بود. بازرگان آمد و گفت که دین برای آخرت است و در همان روزها امام فرمودند: دین نه برای اصلاح دنیا آمده و نه برای اصلاح آخرت بلکه برای قرب الی الله آمده است. امام زمان ابتدا هدفش اجرای عدالت نیست. ایشان می‌آیند تا انسانها را به قرب الی الله برسانند و در کنار این موضوع عدل را برقرار سازند. خدا به ما نزدیک است و مائیم که به او نزدیک نیستیم. در قرآن آمده او با شماست ولی هیچگاه گفته نشده ما با او هستیم. خدا از رگ گردن و دل به ما نزدیکتر است. دین آمده تا ما را به خدا نزدیک کند. و این هدف در زمان ظهور به صورت کامل تامین می‌شود. ۱. اولین ویژگی حکومت امام زمان آنست که مردم را به خدا که بالاترین کمال است می‌رساند. خدا عقل را ۲۷ قسمت کرده است که اکنون ۲ قسمت از آن را به ما داده است و بقیه را در زمان ظهور به آن می‌رسیم. و این به معنی عقل دینی است و نه عقل



صنعتی. ۲. دومین ویژگی مسئله عدالت است. عدالت در تمام ادیان در مورد آخرالزمان به یک معنی است. در زرتشت و مسیحیت و... مهمترین ویژگی مدینه فاضله به یک معنی است. در نهج البلاغه بین عدل تفاوت وجود دارد. عدل یعنی قرار دادن هر چیزی در جای خود. بر خلاف جود و بخشش قرار دادن چیزی در جای کمال. بر خلاف جود در عدل تساوی است. مبنای عدالت حق است. اگر جایی حق نباشد عدلی نیست. حقوق عرفی یعنی در عرف باید بینیم کجا کسی را صاحب حق می‌شمارند و کجا کسی را صاحب حق نمی‌شمارند ولی در اسلام حتی حیوان به صاحبش حق دارد. یک نوزاد حقوقی را در برابر پدر و مادر دارد. هر انسانی حقوقی نسبت به انسان دیگر را دارد نه تکلیف. همسایه به گردن همسایه حق دارد و نه تکلیف. حفظ آب و خاک از حقوقی است که به گردن ماست. کسی که فضائی را آلوده می‌کند حقی را ضایع کرده است. اگر حقوق را رعایت کنیم عادل هستیم و گرنه ظالم. پس در زمان ظهور عدالت را فقط در میان انسانها برقرار نمی‌کند بلکه در میان همه چیز حتی حیوانات؛ مثل اینکه گرگ و گوسفند از یک آبشخور آب می‌خورند. انسانها در زمان ظهور از تمام ادیان هستند. همه مسلمان نیستند. امام زمان حمام خون به راه نمی‌اندازند. در آن زمان یهودی و مسیحی هم به دستورات دین خود بهتر می‌رسند. عدل در آن زمان به همه می‌رسد. در آخر الزمان امام هم به شهادت می‌رسند. این بزرگترین گناه است و عین ظلم است. آمده است در آنروز همانطور که ظلم و جور فراگیر شده عدل و قسط هم فرگیر می‌شود. ظلم آنزمان اجتماعی است و فردی بسیار کم است. بسیاری مردم در منازلشان عادلند. امام زمان عدل اجتماعی می‌آورند. و بر عکس دوره های قبل ظهور امکان ظلم فردی هست. آدم عادل کسی است که غضبش، خشم، شهوت، علم، شعور، و معرفتش معتدل باشد. و عدالت امام عدالت اخلاقی است نه عدالت فقهی.

### نظام سیاسی مصلح

دولت مصلح حکومتی جهانی و فراگیر است، و حکومت های جهانی به لحاظ مبنای غیر الهی و ابزارهای غیر مشروع محکوم به نابودی می‌باشند. پیش از هر فرضیه و گمان باید پذیرفت که محتوا و قالب سیاسی در حکومت مصلح موعود نباید و نمی‌تواند در نمونه های تاریخی مشابه داشته باشد. اعلان قرآن مبنی بر جاء الحق و زهق الباطل از نابودی هر باطل خبر (الاسراء: ۱۷/۸۱) می‌دهد و برچیده شدن حکومت های سراسر جهان را که در دایره باطل قرار دارند، نوید می‌دهد. این بشارت از دو زاویه نگاه قابل تأمل است: الف - دولت مصلح حکومتی جهانی و فراگیر است؛ ب - حکومت های جهانی به لحاظ تئوری و عملی باطل بوده و مشمول نابودی توسط حضرتش می‌گردند. براساس روایت ها، ساختار حکومت مهدی مصلح از نوع هیچ یک از نظام های موجود نیست بلکه در دایره تمدن اسلامی و نشأت گرفته از قرآن و سنت معصومین (ع) است.

### ویژگی های حکومت حضرت مهدی

ویژگی اول: اول این که این حکومت، حکومتی جهانی است. حکومتی نیست که در یک گوشه ای از زمین برقرار شود. حکومتی است جهانی که همه جهان را مستخر می‌کند و همه را تحت اختیار خودش قرار می‌دهد. از روایات فراوان این مسأله استفاده می‌شود. علاوه بر این، آیه «... إِنَّ الْمَأْرُضَ يَرْتُهُا عِبَادِي الصَّالِحُونَ» و آیات دیگر دلالت می‌کند که یک زمانی صالحان حاکم زمین می‌شوند. یکی از خصوصیات این حکومت که با حکومت های دیگر خیلی تفاوت دارد، حکومت واحد جهانی بودن است. حکومت های متعدد نیست. شما مطلع هستید که الآن جهان در چه حالی است. حکومت های مختلفی در جهان است. همه این اختلافات باید برطرف بشود و یک حکومت حاکم گردد. این عقیده ای است که ما شیعیان داریم. ویژگی دوم: ویژگی دوم حکومت حضرت مهدی - سلام الله علیه - گسترش اسلام در همه جهان است به گونه ای که هیچ ده، قریه یا جایی نیست مگر صدای اذان در آن جا به گوش می‌رسد. آیا در آن زمان ادیان آسمانی مثل یهود و نصارا باقی می‌مانند یا نه؟ این مسأله ای دیگر است که فعلاً در آن

قسمت بحث نمی کنیم. اما مسأله این است که اسلام در همه جهان گسترش پیدا می کند. تردیدی هم از لحاظ روایات نیست. شما مطلع هستید که مسلمانان الآن چه مقدارند و غیر مسلمانان چقدر هستند. یک ششم جمعیت جهان مسلمانند و بقیه غیر مسلمان. به هر حال، اکثریت جهان در اختیار غیر مسلمان ها است؛ ولی در حکومت حضرت مهدی (عج) همه جهان در اختیار مسلمانان قرار می گیرد. ویژگی سوم: ویژگی سوم از برنامه های حکومت حضرت مهدی (عج) و مهم ترین برنامه اش مبارزه جدی با ستم و ریشه کن کردن آن است. در این قسمت هم حضرت موفق می شود؛ یعنی ظلم و ستم را ریشه کن می کند. از روایات فراوانی استفاده می شود که حضرت ستم را برطرف می سازد. نه افراد نسبت به هم ظلم می کنند نه حکومت ها نسبت به رعیت های خود و نه حکومتی نسبت به حکومت دیگر. ستم به طور کلی برچیده می شود. ویژگی چهارم: ویژگی چهارم این که حضرت عدالت را در سراسر جهان گسترش می دهد و اجرا می کند. همه جا به عدالت رفتار می شود و گسترش پیدا می کند. در آن وقت، کسی به کسی ظلم نمی کند. همه با عدالت رفتار می کنند؛ مثلاً شوهر به خودش، فرزندان و خانواده اش ستم نمی کند و همین طور همه به عدالت رفتار می کنند. در اکثر روایاتی که درباره حضرت مهدی (عج) هست این مسأله را شما می خوانید که «يَمْلَأُهَا قِسْطًا وَعَدْلًا كَمَا مَلَّتْ ظُلْمًا وَجورًا». این از برنامه های اصلی حضرت است. ویژگی پنجم: ویژگی پنجم حکومت امام زمان (عج) این است که اسلام را در ابعاد مختلف زندگی مردم وارد می کند؛ یعنی اجرای احکام اسلام در ابعاد مختلف زندگی و آن هم در تمام جهان؛ یعنی اداره جهان به وسیله احکام اسلام. در آن روز مسائل جهان (مسائل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و زندگی و...) و به طور کلی جهان با قوانین اسلام اداره خواهد شد. این ها مهم ترین چیزهایی است که حکومت حضرت مهدی (عج) در صدد ایجاد آن است.

## پاورقی

- [۱] ر.ک: شهیدی، سیدجعفر، تاریخ تحلیلی اسلام.
- [۲] ر.ک: المسعودی مروج الذهب، ج ۱، جز ۲، ص ۳۳۲.
- [۳] ر.ک: علی، حماسه جاوید، ص ۴۵.
- [۴] «قطاع»، قطعه زمینی است که حاکم به فردی واگذار می کند و سود بسیار اندکی از او می گیرد اما از دادن مالیات معاف است. ر.ک: ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۲۶۹.
- [۵] ر.ک: ابن ابی الحدید، همان، ج ۱، ص ۱۹۸.
- [۶] ر.ک: علی حماسه جاوید، ص ۴۵.
- [۷] نهج البلاغه، خطبه ۱۶۴.
- [۸] همان، خطبه ۲.
- [۹] همان، خطبه ۱۶.]
- [۱۰] ر.ک: ابن ابی الحدید، همان، ج ۱، ص ۹۰.
- [۱۱] ر.ک: نهج البلاغه، خطبه ۱۵.
- [۱۲] شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، همان، ج ۱، ص ۱۸۰.
- [۱۳] ر.ک: الکلینی، محمد بن یعقوب، الکافی روضه، ج ۱، ص ۸۵.
- [۱۴] ر.ک: نهج البلاغه، کلمات قصار ۷۳.
- [۱۵] ر.ک: همان، خطبه ۸۶.
- [۱۶] امام امیرالمؤمنین در زمان پیامبر مدتی به ولایت و جمع زکات و خراج یمن منصوب شد، بعضی از صحابه پیامبر که با او

بودندخواستند بر شتر صدقه سوار شوند، امام علی، علیه السلام، اجازه نداد و فرمود: سهم شما به اندازه سهم دیگران است و عاملی را که در غیاب حضرت با این اشخاص مدارا کرده بود ملامت کرد. آنها از سختگیری علی، علیه السلام، به پیامبر شکایت بردند، پیامبر فرمود: از علی شکایت نکنید که برای خدا سختگیر است، حق با علی است و او به تنهایی ارزش یک سپاه در راه خدا را دارد.

[۱۷] ر.ک: نهج البلاغه، نامه ۲۷.

[۱۸] المجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۴۱، ص ۱۱۴.

[۱۹] ر.ک: همان، ص ۴۰۱.

[۲۰] ر.ک: نهج البلاغه، نامه ۲۶.

[۲۱] همان، نامه ۵۱.

[۲۲] ر.ک: همان، نامه ۲۷.

[۲۳] ر.ک: همان، خطبه ۱۷۶.

[۲۴] ر.ک: همان، نامه ۴۱.

[۲۵] عثمان بن حنیف بن واهب بن الحکم بن ثعلب بن الحارث الانصاری - در زمان حکومت عمر متصدی اخذ مالیات از بخشهایی از عراق بود - امیرالمؤمنین او را به ولایت بصره گماشت، طلحه و زبیر چون بر بصره تسلط یافتند بعد از شکنجه های زیاد، او را از بصره بیرون کردند، وی بعد از شهادت علی بن ابیطالب، علیه السلام، در کوفه ماند و در زمان معاویه از دنیا رفت (ابن ابی الحدید، همان، ج ۱۶، ص ۲۰۵) عثمان از صحابه رسول خدا بود و در جنگ احد شرکت داشت.

[۲۶] ر.ک: نهج البلاغه، نامه ۴۵.

[۲۷] همان، نامه ۵۳.

[۲۸] همان، خطبه ۱۲۶.

[۲۹] ر.ک: همان، نامه ۷۹.

[۳۰] ابن ابی الحدید، همان، ج ۱۵، ص ۱۲۶.

[۳۱] نهج البلاغه، نامه ۴۱.

[۳۲] همان، خطبه ۱۵۶.

[۳۳] ر.ک: همان، خطبه ۳.

[۳۴] ر.ک: همان، نامه ۳۱.

[۳۵] البیهقی، سنن، ج ۱۰، ص ۱۱.

[۳۶] اسد الغابه، ج ۳، ص ۳۵۸.

[۳۷] مدیریت و فرماندهی در اسلام، ص ۱۵۳.

[۳۸] تذکر: گرچه بعضی از آیات مربوط به امم گذشته مثل قوم موسی علیه السلام است ولی اهل فن می دانند که مورد مخصص نیست و آیه عام است و مربوط به امت اسلام نیز هست.

[۳۹] اعراف، آیه ۱۲۸.

[۴۰] همان، آیه ۱۳۷.

[۴۱] انبیاء، آیه ۲۱.

[۴۲] صف، آیه ۸.

- [۴۳] نساء، آیه ۱۰۵.
- [۴۴] قصص، آیه ۵.
- [۴۵] صافات، آیات ۱۷۱-۱۷۳.
- [۴۶] انفال، آیه ۷.
- [۴۷] نور، آیه ۵۵.
- [۴۸] مجادله، آیه ۲۱.
- [۴۹] توبه، آیه ۳۳ و فتح، آیه ۲۸.
- [۵۰] نهج البلاغه، حکمت ۲۰۹، صبحی صالح.
- [۵۱] منتخب الاثر، فصل ۲، باب ۱، ح ۴، ص ۱۴۲.
- [۵۲] همان، فصل ۱۰، باب ۲، ح ۹، ص ۴۹۱.
- [۵۳] همان، ح ۱۶.
- [۵۴] سوره حدید، ۲۵.
- [۵۵] مائده، آیه ۸.
- [۵۶] انعام، آیه ۱۵۲.
- [۵۷] نحل، آیه ۹۰.
- [۵۸] مائده، آیه ۸.
- [۵۹] اسدالغابه، ج ۴، ص ۴۰۸.
- [۶۰] مفاتیح الجنان، دعای افتتاح.
- [۶۱] معجم الاحادیث الامام المهدی، جلد ۱، ص ۹۲.
- [۶۲] بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۶۲.
- [۶۳] همان، ص ۳۳۶.
- [۶۴] همان، ص ۳۲۸.
- [۶۵] منتخب الاثر، ص ۴۸۳.
- [۶۶] بحارالانوار، ح ۵۲، ص ۳۹۱.
- [۶۷] همان، ص ۳۲۸.
- [۶۸] همان، ص ۳۹۰.
- [۶۹] منتخب الاثر، ص ۴۸۲.
- [۷۰] بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۸.
- [۷۱] عقد الدرر، فصل ۷، ص ۲۱۱.
- [۷۲] منتخب الاثر، ص ۱۶۸.
- [۷۳] معجم الاحادیث الامام المهدی، ج ۱، ص ۹۵.
- [۷۴] بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۲۱.
- [۷۵] نور، آیه ۵۵.

[۷۶] مجمع البیان، ذیل آیه شریفه.

[۷۷] تفسیر برهان ذیل آیه ۵۵ نور و کتاب الغیبه، ص ۲۴۰.

[۷۸] مجله حوزه شماره ۷۰ و ۷۱، ص ۷-۱۷۶، مقاله مهدویت و مدینه فاضله.

## درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)





مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

